

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را درهم می آمیزند؟

با دوران رکود سیاسی جریان دارد و با بسا یکبار شمس نمودن مکتب بندی طبقاتی انقلاب کار نیمه یافته تا کنکها و سانشای علمی و سیاسی ناظر بر روابط فی مابین - در صفحه ۵

تا کنکها و سانشای علمی کمونیستها در راستای استراتژی پرولتاریا از اهمیت علمی برخوردار است - ساده انگارانه خواهد بود اگر تصور شود که با یکبار شمس نمودن - اینکه مبارزه طبقاتی در دوران انقلابی و

پرسی توازن نیروها و طبقاتی و از - جمله تشدید روابط مابین نیروها و سیاسی در هر برهه از مبارزه طبقاتی و بویژه در یک دوران تحول و انقلابی و در دورانی که انقلاب لایزال و نوعی می باشد در سبب

جنگ و انقلاب و

خلیج متشنج ابزاری برای سرکوب انقلاب

تزلزلات ذاتی راه کارگر

اگره تاکنون و راه کارگر در هیچ مرصه ای نتوانست است به گیری و پمختاری را به اثبات برساند اما در مرصه آفندگی فکری و ارائه سانشای کج و معوج و پیش نهادن میوه تا کنکها و الکتکنشی به گستر بوده و انفجار پمختاری را نصب خود ساخته است - مواضع راه کارگر پمرا موم چنگار تیشی دولتها ی ایران و عراق و از آغاز تاکنون و یکی از آن مرصه های است که سمای واقعی راه کارگر را بنویس آنگار مبارزه در این سوره نیروی نفاذ که به پمرا تیک راه کارگر در مرصه مبارزه طبقاتی مراجع عود تا به در صفحه ۱۳۳

نویساران و شماره یاران و سوتک یاران شهرها و مناطق سکونی عراق از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران و بازم کشاره خانه در صفحه ۶

بازم بسیاران نیروها - ساطق سیاسی و کارگری و سرازگر معنی و نفتکنهای ایران بویسته مواپمها ی رژیم عراق از کشاره - عراقی مازندران تا خلیج فارس و بازم

سوی نخست وزیر در گفتگوشی که در بابان جلس حیات دولت در ۱۸ مهر ماه میل آورد بطور ششی به کته جنجالهایی که طس چند ماه اخیر پمرا موم مبارزه با گرانی و در صفحه ۶

گرانی و جنگ قدرت

ملاحظات ی بر یک گزارش

در صفحه ۲۸

طیف گسترده و رنگارنگ نیروهای انقلابی دهنده ایورتونیم راست در جنبش کمونیستی ایران و به انما - مختلف و ادنه گوناگون اتحاد با بورژوازی و پمخری پمرا موم بورژوا - در رستی و اتحاد تا کنکهای محتاب بسا آنرا تیشیح میکند و جهت گیری اساسی خود را بر مبنای یک انقلاب بورژوا - دمکراتیک به رهبری بورژوازی و خرده بورژوازی قرار داد در صفحه ۶

پژوتاریا و انقلاب

ایورتونیم راست و تکامل گمراهی تدریجی

پاسخ به سؤالات

در صفحه ۳۷

همراه با ضمیمه سوسیالیسم ویژه مباحثات

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

سوسیالیسم

خلیج متشنج ابزاری برای سرکوب انقلاب

خرابی و آوارگی، تشدید فقر و فلاکت و سرکوب‌نوده‌ها و حمله کارگران و زمینکشان هر در کفیر ایران و عراق و یازم نفعسور. حمله به کشتی های تجاری و تفنگر از سوی رژیمها و ارتشهای ایران و عراق و تشویق تشدید تشنج در سطح فارس و مین افغانی در آن همون امتدادن سر بر زمین و ملو کشتن خلیج از رزساوها، ناوهای هواپیمابر و طلیکوینتر درون امپریالیستی آمریکا، انگلستان، فرانسه و... نفعی که پس از حمله نظامی آمریکا به امپریالیسم آمریکا در جهان می‌باشد. در حالی که در آن زمان سر ریز ناوهای جنگی مبتلا داشته است، آن‌ها برای طلیکوینتر ارتش نظامی آمریکا به آمریکا بیک کشتی مین گذار - رژیم جمهوری اسلامی و به آن‌ها کشتی و - عری نمودن آن بیگام، عطار، و این برگر رژیم جنگ امپریالیسم آمریکا از نیروی - در واقع آمریکا در خلیج فارس - یازم رفت و آمد های دیر کی سازان - حمله متحد به ایران و عراق و - بمبلمات - های رژیم ایران و عراق به کشور های مختلف برای باطلان یا بان دادن به جنگ ارضی و آوار بر اباد آن از سوی رژیم نفع طلب، جنگ امروز و تشنج آمریکایی جمهوری اسلامی از سوی دیگر - یازم جنگ ارتشهای و امرار بر اباد آن - یازم کشتار نومه‌ها، یازم کفوری ملت - رژیم از سوی امپریالیستها در منطقه و انطام حاکم باخبر ارتشاع منطقه و امپریالیسم جهانی علیه انقلاب، علیه دیکراسی و علیه رهائی کارگران و زمینکشان ایران و عراق و خلقهای متشنج منطقه - هیچ انقلاب رهایی چون پرولتری در - خلقه اشتراک خلیج فارس بویژه در ایران که یکی از کلبه ترمن خلق های متشنج رژیم امپریالیستی است، امپریالیسم و در آن همه آنها امپریالیسم آمریکا -

موسمن سلفه و رژیم جمهوری اسلامی را چه هزار حمله فدا نداشتند که بی مهابا و جسارت برای حمله کردن این غول چهار شده به ماجراجویی های بیگاری دست میزنند - حفظ و کمک به تشبیه رژیم جمهوری - اسلامی، عراق از منافع کارنگران امپریالیستی و تأمین مافوق سودها و امپریالیستی از طریق کشتن ملت آمریکا اند که صاحبشای، تشنج آمریکایی امپریالیستار رژیم های ارتشهای در منطقه رتم میزنند - چندین ماه است که تشنج عظمی از نیرو های در میان چند قدرت امپریالیستی - رژیم امپریالیسم آمریکا خلیج را به جولان نگاه و امر قدرتی امپریالیستیا تبدیل کرده است - امپریالیستیا این تجاوزگری و شترز سلبتاریستی بی شرمه را که در جهت حفظ منافع مارتین چاقاخصی سرمایه های متشنج - نظامی است، نت لگوای هراسناک است کشتی را می در آبراه، خلیج فارس آغاز کرده و مرم بر مرم و ایماه آن می افزاید - ماهیت و حمله تشنج آمریکایی در خلیج را ماهیت لیفاتی سیاستهای دولتهای جمهوری اسلامی و عراق و سایر دول مرتجع منطقه و امپریالیستیا خصم میکند - جنگ ارتشهای ایران و عراق و گنری آن به خلیج و کتسا - نیده عد متشنج های امپریالیستیا برایت برگیری: تداوم همان سیاستها و تجاوزگری اند و سرکوبگرانه رژیم ها و ارتشهای ایران و عراق و حاکمان امپریالیستی آنها است - سرکوب، نقض آن سیاستها است که ارتشاع و امپریالیسم فنیال میکنند - ایماه و تداوم جنگ ایران و عراق - اعمال آن سیاستها و ارتشهای ای بود که برای تشبیه رژیم سیاستهای جمهوری - لیفاتی میخواندند که را برگرده حسه است - جنگ که برای اغفال و تشنج نومه‌ها جهت گناتند آنها به قربانگاه های جنگ

نصیحت کور صمیمی - طی و نوس چه بازی کرتند عد - موهومات ارتشهای گنفته جسون جنگها و بمره حیره والغبیره قاصمه ابزار هانی برای بنگا و خون گنیدن کارگران و زمینکنان گنفت است - جنگی که از حسان - ابتدا و آغازین تأمین منافع سرمایه داران و بر کردن جیب های پر تشنج سرمایه های مالی - نظامی را عد نظر داشت - اما جنگ در - تداوم تشنج است تمام اهداف و آنهم بهترین هدف مورد نظر امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی یعنی سرکوب فنیال انقلاب - را بر آورده است و تشنج سرکوبگرانه این است که موهومات ارتشهای امپریالیست و حله عدی مراد رژیمها و دیگر و امپریالیسم گنفت است - کشتار و نومه روز افزون این جنگ در سطح فارس و در گنری احتشالی دولتهای مرتجع دیگر که از مواج صحن بین است و نفع، حامد بین المللی را بر آن - داشت تا بار دیگر با بیمان گذارد و نعت لگوای بر فراز آتش بس و - ملاح - از گنری که غول انقلاب را بپیرا، می آورد جلوه گوی نیاید - اما هر کدام از طرفین درگیر در جنگ ارتشهای بپیرا، امپریالیستیا بنا گنترده عد جنگ به خلیج و در واقع تشنج کردن خلیج امعدان ارتشهای طر خود را دنبال میکند -

رژیم سرمایه دار عراق با گنری جنگ به خلیج که عراق با بسیاران شهرها - شامل سکونی و متشی ایران است شامل دارد با برگیر نمودن دولتهای مرتجع دیگر منطقه در جنگ و گناتند قدرتها و امپریالیستی به خلیج و کرین نهادن به قلمناسه امر خورا و احتشال زمان طلی منطقه بسا وارد آوردن غدارها و سیاسی چین المصلی به رژیم جمهوری اسلامی یازم رژیم را و انا وجه قطع جنگ تا از و بر بار عظم و حرد گنفته این جنگ تا توی که هوا تبه مرام - آور اجتماعی - سیاسی و اقتصادی عظمی - بر این ایماه نومه‌ها کرده و نفع از آن که چنین انقلابی حلی کرد و حیا یازم - سیاسی به نوده‌ها، رژیم عراق را با طر جدی و -

رژیم جمهوری اسلامی را باید بابت اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

خلیج متشنج ابزاری برای سرکوب انقلاب

نشی رویرو سارد و انکار این چیز و تأثیرات سرت مسا تبینک نوده های کارگر و زمختکرای را به نرحه یاروا شساسی سدی تری بکانه بهره د - گوینک خود را سمرکز نر علیه خلق سکار کیرد رژیم عراقی روت کرده اشتاداد استعرا با کشرش حسین افلقی در کرسنار عراق و سیکر خلق ما و سمنده و استعمار نده ما حیات رژیم بر شاد قنی فرار کریمه است از امین رو رژیم عراق در صد است سیر وسیله ار که نده - در این راه از هنراش کزیمانی از اسپرالیسها سرچوردار گوید و صد انیشه که این پشیمانی هرگز بدون جسدات یا دایر های هارنگرانه ملی سید - به خشکمانده بعد تا به جنگ ارساس داخلی خود نهد سوده ها و غلتهای نسیتم نده و حدت بیشتر سده

اگر رژیم عراق با کشرش متشنج و تشنج در طلیح بر سد قلع جنگ است در عرض رژیم ارتجایی جمهوری اسلامی همپسان خلقی خون آمیزی در اداس سیکه دارد و اصرار دارد تشنج در خلیج را بر راستی اهداف جینا بشکارانده خود بکار گوید و با استفاده از صور اسپرالیسها در طلیح نه تنها انقلاب را بر ایران سرکوب نماید بلکه مسا تبدیل عین به قدرت برتر و طلق انسان - چشقله عامیگی ارات روی برای سرکوب جتیر های روحانی بسن را در برابر جتیر اسپرالیسم به نشاپز بکارود - رژیم جمهوری اسلامی برای بستن پای به این حدت که به اذعان خود سرشعاران سخراده با بقا آست - همپنانکه حکمتی در رفتار ما حکمتی در با بان موصین سجنار سراسری انده جسمه سراسر کتور اعلام دادند - ما سو باره در مسین حا تپیدید مبدیا حیرت عالی میکنیم که این سنجهر جعفر طول بکند ما موطنیم و کدت استم را بر حکمت این جنگ میکنیم و پیروزه اسلام را بر پیروزی هر این سنج می ببینیم - از داس هر بهائی حتی بسنه نیستند تا بودی گنا بدین منابع نظم مادی

عنفوی و انسانی و کشرش و تکمیل صور نظامی اسپرالیسم در خلیج و نوسه پاهنگ - های و آنها بر سرس و عربستان و ۱۰۰ مابانی - در رژیم جمهوری اسلامی تقسیم اشتار و کوشه سبب و سرپا سگدانش خود را از شریک حدت و اداس آن به بیبر میبرد - آسا اداس حدت شرف علم نوده ها از جنگ و - رژیم را بر امر و حدت تر ساخته است - امر تقسیمه تنها منطقی نگفته بلکه خواست سرنگونی رژیم به ساله روز نوده ها تبدیل بعد است - از این رو رژیم جمهوری اسلامی احتیاج به ابزارها و بنید برای طولانی تر کوفه حیات رو به شوقش دارد - خلیج فارس بسا سین بر افغانی منوعه تبلیغات منظم با صلح نده اسپرالیسم آمریکا به راه انداخته میبوده و اداس کشری جنگی ایران بسه روی کشری جنگی آمریکا تر نقل میبده (البته با اولین احاطه نظامی نادر آمریکا تی و ناو جنگی برانی سرپا از ناحیه دور سیکرند) - حلات به کشری های تجاری و نفتکش کشری - سی باشد و با تشنج کردن خلیج به وارد شدن هر چه بیشتر تا وای جنگی اسپرالیست ها و مشارکت آنها در رو با رونی یا جیش ها و اندیشی های روانانه سجون تا انتخاب رهائی بجزرگ و گران و زستکنا ایران را - به شکست قلی بکانه - انقلابی که بدون شک یکی از حرکتی ترس بریات تا کتونی وارد نده به اسپرالیسم نده در ایران و منطقه بسکه در حربه بین الطلیح خواهد بود - نظیر به اهمیت علمه مسین و کشرش پانجه این انقلاب است که اسپرالیسم در ارتجاع منطقه و جمهوری اسلامی در سرکوب آن منافع حیاتی مشترکی دارد - مسین اشتراک منافع ارتجایی است که همزمان با امزای بی ناریانی های سوده ای - طلیح فارس توسط ارتجاع و اسپرالیسم به تشنج کشیده میبده

اسپرالیسم آمریکا که سیاست چپکده طمانده و شادوز گرانه برای سناجده با انقلاب را در جمعها راحیر متعدد تصور است - بزرگ فقط برتری مائی - نظامی و کشرش سلسلی

تحت سلطه امر که با عین ما و نوده ای همپسا بیلر افتاده است - با ستمکار قرار دادن سیاستها و نوسه شبانه و بان اعلامیستی رژیم جمهوری اسلامی - اگرچه به الفسوه و بالخلل در حدت منافع حیاتی اسپرالیست ها است - اما در شرایط بحرانیس کتونی ملبرسم منافی اسپرالیستیا خودی سرائیکیز کفته - صور دم امروز خود و هم بالگی های اروپائی از او در طلیح باللیک کشری به صورت رژیمهای استعانه کویت - عربستان و ۱۰۰ سبه با صلح فانونی ناده است - اسپرالیسم آمریکا حاکمان از رشت و آمد آزاد طولی کشری رانی در خلیج را - بهانه ای برای کشرش صور نظامی و شقراو دانته در منطقه کرده است - سلاوه اسپرالیسم آمریکا با سونر فاصل تر خود در - سلاوه س استانات تسلیمی و ابزارهای لازم برای تهدید و تقارم سیاستهای سرکوب بگراوت رژیم جمهوری اسلامی را فراهم ساد - خت است و هم اینکه خود را بطور مستقیم مر کاسون رو با رونی یا جیشهای روحانی بعضی در منطقه قرار داده است -

نظامی ماجراجویی های اخیر در خلیج - فارر که از سوی اسپرالیسم آمریکا و رژیم ها و ارتجایی ایران و عراق مر دم فاسین زده میبده فقط و فقط یک هدف موشوم ارتجایی را دنبال می کند - صور نظامی اسپرالیسم آمریکا و همالگی های در خلیج - تعلق حاکمان غارتگرانه سرمایه های مائی - نظامی - حفظ و حرارت و نوسه این غارتگری - از سولی و آنا دگی بیشتر و حرکت فمالخس بر سرکوب جتیر انقلابی از سوی دیگر است - تشنج آفرینی در خلیج و با صلح رو با رونی با دولت آمریکا و زستند اسپرالیستی رژیم جمهوری اسلامی اداس همان سیاستشرد کویگراوت رژیم علیه انقلاب و نوده های کارگر و زمختکرای سیر وسیله مسکن می یابده - از مسین رو هیچ گونه تشنج و سرکوبی ای در رویانها راحیر خلیج فارس وجود ندارد (



سویسیا ایستاد

گرانی و جنگ قدرت

را نفروسی و مستکرمین برآه افتاده است
 فاره نمود. موسوی در توضیح مستکرمین
 و پرستان بنهاد نبوت، که بهت مومنه مرط
 جناح بازار است گفت که اگر مالیت
 جاری و با هر چیز دیگر جهت این باشد
 با روابط و مقررات نام نفس - انجسام
 خود و هر نوع کرم و از شررات و روابط
 ر حتی که به دولت باید داده خود بک نروغ
 برم حسابی خود و به سنا و مخالفت با
 من مقررات است و تابش تمس نیست -
 لاهر فیه به آنگونه که در رساها عنوان
 نده بود حید و میل اموال مردم و بهتری
 بهر حاجتن حد دولت یعنی مالیت پیونده است -
 ما لغت وزیر به بعد دیگری نیز اشاره
 کرده که اهمیت برای جناح دولت از بعد
 نشانی فیه اگر بیشتر نیاده گستر
 نیست - موسوی گفت که این بنیاد که دارای
 سالیست وسیع اقتصادی است و همچگونه حاس
 و کتابی پس می دهد - وقتی که خارج از
 تقررات باشد آن وقت نادر و چیز های مختلف
 بهش می آید - این چیز های مختلف عبارتند
 از خرید افراد بیستای اینکه با پول اتیر
 بگنارند در فتنه تان - و این بعد سیاسی
 ساله است - موسوی اساس این تأثیر گذاری
 یعنی بر افراد و مخالفت وسیع - بنیاد را
 به اینگونه جمع بندی نمود : " مردم مراد
 نیستند جانب هر رابطه یا فعالیت حساب
 فایده باعده فعالیتها لفظ جنبه اقتضا -
 دو ندارد معنای سیاسی در بهترین حالت ما
 هر رابطه یا همین بنیاد بک تلافی برای -
 نترسی به قدرت در احساس می کنیم عوامد
 میلی زبانی است و تمام اینها عملی همان
 نهند عت - "

حما ظهور که انتظار می رفت و سخنان
 موسوی نیز نشان داد که در چند پیشانیهای
 مبارزه با گرافروسی و مستکرمین و مبارزه
 در جناح اصلی جمهوری اسلامی یعنی جناح
 دولت و بازار عمل میکنند - نشاد بین این
 در جناح در تمام طول عصر رژیم جمهوری -

اساسی بلکه قطع نگرسیجه است - هر از -
 چند گام نشاد می بروی حیات سکا کد و از
 بعد نشاد مو جناح اصلی جاد می خود و هر
 زمان از بک کاتال سر بازمی کند - و اکنون
 نیز مدنی است که مبارزه در جناح برای -
 کسب قدرت بیشتر و با قدرت مطلق فرجه بود
 اسلامی از طریق شمارک برای گردآوری قوا و
 اسکا تا بسنطور کسب کرسی های بیشتری در
 مجلس عورا و اسلامی جریان دارد - جریان که
 با نفع خسی بر ملا عده به انطالی حزب
 جمهوری اسلامی حشر گردید و اکنون همسر
 چند ماه است که جناح دولت با برعهودتاری
 از ابزار های اقتصادی - بوروکراتیک به
 جناح بازار حمله نموده است تا آنرا از -
 ابزار و اسکا تا تیر که می تواند - یا پول
 افراد را ببرد و اثر بگنارند بر فتنه
 شان - و - بک تلافی برای نترسی به قدرت
 را حمان بدهنده چا نماید -
 بدین ترتیب آیا گرانی و گرافروسی
 و احتکار بک ساله بر اهمیت از نقطه
 نظر جناح دولت فقط در حکم بهانه ای برای
 محدود کردن دامنه فعالیت جناح دیگر است؟
 هر سرام آور قیمتها و کپیود فاس کالا و
 رونق بازار سبب خود پانخ منفی به ایمن
 شوال می بعد - تنها طی چند ماه گذشته -
 قیمت بسیاری از کالاها بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد
 افزایش یافته است - میزان سهم کویسی
 عملا کاهش یافته است و عاملین اصلی بازار
 سبب سودهای هنگفتی را به جیب میزنند -
 اینها تمام واقعاتی است که حتی سران -
 رژیم نیز آنها انگار نمی کنند - در کنار
 این واقعات و سودهای هنگفت بعضی تیارهای
 واقعات دیگری نیز وجود دارد - واقعاتی
 که قدرت جناح دولت را هر لحظه در معرض
 مخاطره قرار می دهد - وررکستگی مالی و
 اقتصادی دولت را فلج کرده است - درحالی
 که هزینه ها و دولت از انطالی بسیار محدود
 و دی در کاهش برخوردار است - سناج درآمدی
 دولتی کاهش یافته است - جانا جنگ نه فقط
 بهر طبعی از بوسه دولت را می بلعد بلکه
 عمده ترین و اصلی ترین منبع درآمد دولت
 یعنی درآمد حاصل از فروش نفت را در انتر
 بسیار آنها و مداوم تأسیسات نفتی و نفتکش

ها کاهش داده است - جناح بازار اما فارغ
 از این مشکلات گردآوری - پولهای -
 گردان - مشغول است -
 جناح دولت تا آنجا که توانسته است
 بر قیمت کالاها و انصاروی افزوده از میزان
 سوسید کالاها کاسته و مالیتها را افزا -
 پن داده است - اما برای تأسیست درآسید
 بیشتر یعنی افزایش قیمت کالاها و مالیتها
 ها می باید از سهم بعضی تیارهای در جهاول -
 نودها کاسته خود - چرا که سران رژیم خود
 نیز برای امر واقفند که حتی هم اکنون
 فشار بر نودها بعدی است که هر آن تراش
 هر جرقه ای امکان انفجار موجود است - پس
 باید از سهم بعضی تیارهای در جهاول کاسته
 عوده قدرت اقتصادی این محدودتر گردد تا -
 جناح دولت بتواند بر میزان جهاول خود
 بیافزاید و از این طریق و از این کاتال
 نیز جناح بازار را در معرض بک تلافی جسم
 سیاسی قرار دهد - تصویر از این حیات را
 که فعلا به دستگیری سرپرستان بنیاد نبوت
 انجا دیده رانندگی در جلایه های چند ساه
 بعضی ترسیم کرده بود - رفتنی در خطبه
 نماز جمعه ۲۶ تیر ماه ضمن عوا فریبی های
 همیگی در باره عدالت اسلامی و احترام به
 فخر و گرانی گشوده از مردم - دعوت نمود
 که با رژیم جمهوری اسلامی هر رابطه بسا
 گرانی و گرافروسی حکماری کنند - بمبارت
 دیگر وی از مردم - دعوت نمود که در مقابل
 جناح بازار از جناح دولت حمایت کرده و از
 طریق مبارزه با مستکرمین به رابطه باجنگ
 بازار بپردازند - رفتنی گفت که - بکسی
 از مشکلات مهم جامعه ما گرانی و تورم است
 که باید عسوسی ترمن بلیه زمان ما بلیه
 " مردم دچار گرانی هستند و فقرها همه
 مردم دارند و هیچ می برند از آن گرانی و -
 سو توزیع دولت بر تانه برزی کرده است
 اجازه حضرت امام و قانونی مجلس گنرا شده
 اخیرا برای مستکرمین و گرافروسیان -
 رفتنی جناح بازار را عامل گرانی حشری
 کرد و حکم طبعی در رابطه با اختیارات -
 دولت برآ و مبارزه با گرافروسی را اول -
 بیان جهانی بالای سر جناح بازار بحرکت نمرد
 در صفحه ۱۲

چه کسانی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را درهم می آمیزند؟

شروهایی سیاسی فراجنگ آمده و دیگر یاز دیگر خود ویژگی های هر پرده از سارر لطیفاتی را با ارزهای ساده و سارر ساده از نشانی نوای طبقاتی و نوعیت نیروهای سیاسی شروع رتی مدارد. مرک دکماتیشی و کناریستی از سارر طبقاتی ه انا، بیسی میکند و مغلای نیروت این بررسی و بازنگری را نمی میکند در ستایل، مرک لپیرالی و سوم حلفی درک خود بخودی از "جنبش" و انقلاب بود را به تنها بر خود ویژگی ها و حوادث کنرا و شمیر آ لندای بر توازن نیروها و نفعاتی متکی می آید. سانشنا و عملی و ناکتیکها و خود را بدون بدین بوند با استراتژی پرولتاریا و بدون در نظر داشتن دورانی که سارر طبقاتی را احاطه کرده است و بدون در نظر داشتن مسد بشده طبقاتی انقلاب با بیماری دیگر بدون با پیوسته به تفکیک ضد انقلاب از ضد انقلاب نسبی می نماید

در حالیکه مرک لپیرالی از سارر طبقاتی همه چیز را در هم می آمیزده، شمولی میکند، جنبش خود بخودی را تقویت می کند و جنان اسیر حوادث لحظه ها و خود ویژگی های هر مرحله از مبارزه میبوند که چه است ناکتیکها را در رایشی استراتژی پرولتاریا با پراسوسی می سبارد (چنانکه محمی اید)

استراتژی باید (و بدین ترتیب نظرا و مغلای بر استقلال طبقاتی پرولتاریا خط سلطان می کند و تمامی سیاست مبارزاتی را در خدمت اهدافی نفوذ و بلاواسطه مسکن و سیل الوسلی می آورد. مرک کناریستی و دکماتیشی با بها خفای به خود ویژگی ها و تفاوتی سارر مغلای از تاثیر کناریستی هر روند سارر طبقاتی بخود می افتاده و هر چند که این سر یا حسن نیت همراه با عده انا مغلای در هرصه نعتی و نا آتیا که چه اثر کناری نیروها و سیاسی بر یکدیگر مربوط است

زجته ساز تقویت رفرمسم و مرک لپیرالی از سارر طبقاتی در تلب سلال می گوید. اگر بخواهم نمونه های ملموسی از این دو میندر را عنوان کنم می توان از مینس سلب بر می ج ج ج ج ج قبل از انقلاب اخیر و انا باقیه آن هر زده جریان " کمیته خارج" بموان نمونه ای از مرک دکماتیشی و مکتا رسی از سارر طبقاتی نام برده و فرمقا طل تا حدود بسیار زیادی (تا سرحد مطلق) مرک راه کارگر را سرن لپیرالیسم، دنباله روز ارجینتر خود بخودی و اسیر لحظه های سارر شدن، بی بند و باری در ناکتیکها و در رابطه با نیروها و سیاسی و فرم آمیزه معد انقلاب و ضد انقلاب

موقعیت کنوسی سارر طبقاتی و عموما ضد بندی نیروهای سیاسی حکایت از چه می کند؟ در یک کلام باید گفت مجموعه غریب کتونی آتجان زجهای را فراهم نموده است که لپیرالیسم و رفرمسم به پت نیاز جسم گشوده علیه انقلاب، نیروها و انقلابی و اتحادها و انقلابی مبارز روز بدهد. پس از یک دوره چند ساله که رفرمسم ستوری و طرد کتبه بود، دو باره موی اقدام نموده و از سر متر لزلین در صفا انقلاب مورد استقبال و تقویت قرار گرفته است. هر چند تها جسم لپیرالیسم و رفرمسم بر انقلاب و نیروهای انقلابی امری فانتسی و شعلیل تا بهتر است - و ایضا عقابله با آن - لیکن تراکم مجموعه عد عوامی سیبده است که در لحله کنونی لپیرالیسم و رفرمسم (و بویژه دومی) - زجهت ساعدی برای تاحت و ناز بها بند این است آن محضه لحظه فعلی بر ارتباط با موقعیت نیروهای سیاسی - چشم فرو بستن بر این واقعیت از سوی کونسینها و متکراتهای انقلابی مغلای همان اندازه چه امر انقلابی ضرب می زند که حکار در حسوتی با لپیر

الم و رفرمسم
مرک نعتی و دکماتیک و کناریستی تصور می کند یا نادیده انگاشتن این طریق می تویسی و بها نندان به آن با مطرح نشاختن جنبش حلو که در کسین جنبه انقلابی بی سینه است به امر انقلاب پاروسی رسانده به امر مبارزاتی پرولتاریا و استقلال طبقاتی این پاری می رساند این مرک بر این پاور است که افغان به جنبش حلو و افغان به زمینه های نسبتا ساعدی که در جهت گشتری رفرمسم و لپیرالیسم حامل عده بسنای ریست بختیدن به رفرمسم است همه منای تقویت رفرمسم، ایجاد تزلزل در صف انقلاب و غیرانته به انقلاب است. این ترک که یکبار برای همیشه خط و مرز ما بین مسد انقلاب و ضد انقلاب را ترسیم نموده و آنرا تثبیت عده می بخارد بر این پاور است که بر دیوار جسم حاضر همان این دو ضد است. بر این پاور است که با یکبار رویت نمودن حلو مرزها و با یکبار تضمین جا به جاها می نسرو ها و سیاسی در هرصه عملی نیز جنبش خط و مرز هائی خادام پلانسیور باقی می ماند. جنبش تصور میبوند که چون رفرمسم در ایران آبرو باخته گفته، عیان نکاریها و معاضد افکار باخته جیره پلمین بر ملاحظه و توسعه یافته ملکردن واقعیت گشته عید دیگر کار رفرمسم پرا و همیشه نپسله یافته است. دیگر هیچ گاه ایورتونیست و رفرمسنها عد م رعاهت رسی خود (حزب نموده و دو جناح اکثریت) و نه از روزها و دیگر امکان باز تولید و تجدید نوا ندارند. این ترکده فقط حاصل احتشامی (طبقاتی) تولید و باز تولید رفرمسم را نموده می انگارد بلکه حجم جسر مجموعه عرایلی که در لحله کنونی سبب گردید است که رفرمسم امکان - فقط امکان - تجدید

زندگی با استقلال طبقاتی کارگران

چه کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

چه کسانی صف انقلاب و ضد انقلاب را در هم می آمیزند؟

حیات گذشته و فعال نباید نیروی بنده و انسان فعال مدن وسیع رفرسیم را متکرم کرد.

آن کسی که با استناد به دوران گذشته بی حاکم بر جامعه تصور می کند، با بسین شهری و انقلابی می کند که رفرسیم بی رحمت گفته بیه انزوا شده عد و طرفدگفته است و امکان تجدید حیات گذشته ندارد، یا حسن نیت از دیدن و قیامت جریانیها و موجود عاجز است و با تعد دارد یا بی اهمیت نتوان دادن این ساله و سرد و اسود کردن نیروها و اپورتونیست و فریبشده انقلابی آنان را از آماج انقلاب در امان بدارد. این تصور که دوران انقلابی بخودی خود می تواند از رند و گسترش رفرسیم جلوگیری کند، مریک ساده لوحانه است. دوران انقلابی اولاً سوار بر شترانه با اعتلا انقلاب می و جوش و خروش چنین بوده است و مرید گیرنده افشو چیزهایی از چنین بوده ای.

است و تاغیا حتی در بشا اعتلا انقلابی، رفرسیم در غیاب یک ارگان رهبر و انقلابی با نفوذ پرولتری از این امکان برخوردار است که بر چنین انقلابی سوار شود و بر نیروهای انقلابی برآکند و کم اثر بر مبارزه طبقاتی ناشی شود. رفرسیم فقط بر مبنای پایگاه اجتماعی خود باز تولید نمی شود و گستره فعالیت آن نیز منحصر به پایگاه اجتماعی آن نمی باشد. هر عبارت کنونی در عبارت تعاونیست. نسبتاً طولانی مدت است که کارگری و توده ای در یک دوران انقلابی و موجودی اجتماعی بر اثر بحرانهای اقتصادی حاسی و جنگ و سرکوب، سازمان ناپائنگی برولنارها و نیز عدم وجود یک ارگان رهبر و انقلابی و یک فطرت انقلابی بر قدرت و با نفوذ پرولتری و رفرسیم امکان تجدید حیات یافته است. این تجدید حیات، اما هنوز نه قنی است و نه کامل شده است.

اپورتونیست و رفرمیت‌ها که طی یک

دوره در حالت کاملاً تدافعی قرار گرفته بودند و بخ از سر نهاده ها و ضررها و مایوسی انقلابی شهری و طرفه هه بودند تحت ترا بی که در نوب به آن اشاره کردیم به باز سازی بود پرداخته - هر چند این بازسازی هنوز به اتمام نرسیده - و تدارک برای تهاجم به انقلاب را بنگلی جدید آغاز نمودند. در این دوره است که برخی از نیروهای انقلابی و با بعضیانی از این نیروها خود نیز متأثر از شرایط موجود بر فاشند نزل و لایحه افزوده شده و بجای تأکید و با بیداری بسبب عسارها و حاشیای انقلابی در مقابله با اپورتونیسم و گرایش به تسلیم عدن به اپورتونیسم در حد پذیرش آنان در صف انقلابی را از خود بروز داده اند. در این زمره می توان از جریان خورا ممالی و نیز کمیته اجرائی نام برد. با این وجود اپورتونیست ها بدون دشمنی از منضم تر و فو کم کتر هنوز توانائی محدودی در ضد انقلاب و ضد انقلاب را ندارند و هنوز بدون کمک چشمی دستیارانی قادر نیستند به انقلاب آسیب رسانند. همین علت است که بلوک نیروهای اپورتونیستی به نظر انقلابی با عبارت جدید و ایجاد زمینه برای ادامه حیات موثر به سلاح نقد گفته روی آورد تا در همین حال توجیهی تلازم را برای جذب دستیاران فراهم نماید. در این مورد اکثریتی های کشتگری بنسب به طبقه اتصال بلوک اپورتونیستی یا دستیاران خارج از بلوک انقلابی نمی می کنند. در خارج از بلوک اپورتونیستی نیز سروری بود نیروهای عنوان دستیار نقش حلقه اتصال و با همه اتصال با بلوک اپورتونیستی را (بسیا به رسم خود) بر عهده بگیرند. سازمان آزادی کار که به سرستی بی بیارت کار طبق گفته است نزدیکترین نیرو به خراب اپورتونیستی و بیوس بسبب سرمان اکثریت کشتگری است که خود را نامزد ابائی نقش نسب انبار مابین مداخله و

مد انقلاب گردانند. اما سازمان آزادی کار - ناتوان تر از آن است که بتواند بنسب به نسبه اتصال عملکرد موثر و داغده باشد. در این مورد هر چند را کارگر در مقابله با سازمان آزادی کار از بلوک اپورتونیستی دور تر است اما توانائی اثر در تطهیر اپورتونیست و رفرمیت‌ها و در محدود نمودن صف انقلاب و ضد انقلاب یعنی بر ایضای نقد نسبه اتصال از اهمیت بیشتری برخوردار است و این آن نیروی اساسی است که بلوک اپورتونیستی بر روس حساب باز کرده است. بر این موارد کمی بیشتر بحث میکنم و ابتدا از تلاشهای نیروی بلوک اپورتونیستی به نظر تجدید حیات و توانستن دستیاران جدید آغاز می کنیم.

پس از ناراضی شدن اپورتونیستها از حاکم و حوس بارگاه ولایت نفقه تلافی برای ادامه حیات و انقلابی با عبارت جدید از سوی آنان آغاز شد. چرا که بی حاشی و بی آبروشی - حیاتیات رژیم جمهوری اسلامی سنگین مراز آن بود که حاشیان سروری بتوانند بر احق خود را از آن مخلص کنند. گروهی اپورتونیست نیست در ضمن تکه تکه عدن و تلافی عدن قرار گرفتند. کفاره گناهان بی مهر مورثه باید پرداخت می شد. انشایات در مورد آنان که جان سخت تر بودند و حتی «انتقاد از خودی» را هم در تراوی نیات بنسب عنوان گناهان سی کفایت شده جدید تر بود. حزب توده بنسب به شون فقرات این بلوک زیر فشار مبارزه - طبقاتی ترک پرداخت، بند و بست های تکنیکال ش بران و از سر گذرانیدن بحران بی تمسبه ماند. نتیجه هو انتصاب بیای بود و تعاون بران - اکثریتی های نگهبانی با «انتقاد» حقیر و نا چیز نیز تلافی نمودند که بحران را از سر بگیرانند. اما بی حاشی حیاتیات از «مکراس انقلابی» ولایت نفقه کفاره بیی تری را طلب می کرد. حامله آنکه اکثریت نیز نتوانست و نتوانسته است بر بحران نیروی فاش آید و گزاینات متمدد بر زمینه این شروع به شکل گیری نمود. در این حلقه اکثریتی های کشتگری با «انتقاد» بیشتر و پرداخت کفاره بیشتر تلافی کردند که در خارج از بلوک اپورتونیستی دستیارانی برای خود

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر ایورتیه نیستند؟

ست و با کتف و مفری برای نیات خود و -
 شوق اپورتونیستی بهایند: نیروهای بلوک -
 اپورتونیستی بر این امر واقف بودند که خود
 به نفعی قادر به نیات اپورتونیسم و تطهیر
 مویشین نیستند و آب تطهیر باید از طراح بر
 سران ریخته خود

کنفرانس ملی حزب توده و پلنوم ستای
 دو جناح اکثریت بدین منظور تشکیل داد. هر
 سه نیرو بدیجات مختلف نسبت به حمایتان -
 از جمهوری اسلامی انتقاد بعمل آوردند و هر
 همان حال ضمن " مبارزاتی " گذشته شان را
 در قالب و تکیه جدیدتره نموده از نیرو
 هائی که تا امروز تحت عنوان چهگراه آلت
 اسپرالیسم و طامنی و باقی نام برده می شد
 اعاده حیثیت بعمل آمد و ناز و وسعت حزبی
 و ما ورده به " جبهه متحد خلق " گردیدند.
 دستگاه در هم حوزا اپورتونیسم در تماسی
 این نسبت ها بر آن میانی نظری صمد گداخت
 که در تیل به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی
 شمر شده بود و اپورتونیسم جز اراکمه
 همین دستگاه نظری نیز رسالت دیگری نسبی
 برانست بر میده داخته باشد- دستگاه نظری
 اپورتونیسم سینی است بر " ساز و آفرینشائی " و
 در هم آمیزی طبقات و تحلیل از دیکناتور
 اپورتواری تحت عنوان حکومت ملی و دسکرت -
 تیک " از امپرو کل اپورتواری از زیر ضرب
 حشمتی طارح می خود و لایحه هائی از آن در -
 پیشین خلق فرار داده می شود. یعنی دیگر از
 اپورتواری به قیای خرده اپورتواری طبیب می
 خود تا پشنامه " نیروی شرنی " تحولات -
 " ملی و دسکرتیک " را به پدید برد - ساله
 اصلی انقلاب به سرنگونی رژیم حشمتی تقلیل
 داده می خود و از تماسی نیروهای " ضد
 رژیم " معترض می خود که بر یک جبهه این -
 اسر مهم را حشمتی کنند و بدین منظور -
 در حواست های انقلابی و وظایف انقلاب تا آن
 شعاع ستکاری می خود که برای لایحه هائی از
 اپورتواری که باید جنب انقلاب بودند نیس
 پنهان فتنش گردد - و بر کنار تماسی اینها
 بشوق اپورتونیست - رفیقینی - طبعی است
 پشنامه بهما تیک پروتارها رسالت وحدت -

بمقدم به " جنبش کمونیستی " را بر نسته
 خود می ناده. اینها آن عناصر نظری مداخلش
 گردن انقلاب و ضد انقلاب است که از سوی اپور
 رتونیستها عنوان گردیده و از سوی ستار
 اپورتونیسم در ضد انقلاب تکرار می خود.
 لب کلام هر کدام از این سه نیروی اپور
 رتونیستی چیست؟

حزب توده پس از برگزاری کنفرانس ملی
 در انتقاد به گذشته می نویسد: " آنچه
 جستجوی حقیقت را ستوار و ستیابی به آن -
 را ستوار تر می کند اعتبار هائی است که در
 جریان پرا تیک انقلابی کمونیستی ایران رخ
 داده است - امز هائی نامرست و بزرگنمایی -
 حشمتی ایجاد این اعتبار هات که اغلب اجتنقا
 ناپذیر بوده اند. نیرو مند ترین امری است
 که به انگای آن کوهی می خود که نظرات نام
 برست از " جب " و راست به میان منوب بهما -
 هنگان طبقه کارگر ایران تزییف خود (نامه
 مردم شماره ۱۲۴) - حزب توده اصالت ضد
 انقلابی و حمایتکاری های آنکار را اعتقاد
 مات و نارسانی های اجتناب ناپذیر فلسفاد
 می کند. چرا که همان حمایتها و همان اقدام
 مات گذشته باید به شکل جدیدی دنبال خود
 از همین رو است که حزب توده می نویسد:
 " حزب ما از جمله برای جلوگیری از تکرار
 تارسانی هائی که در مفا نسبت به حکومت
 حشمتی دیده داخته نمازی به شنبه در فرسو
 فیندی اصول عام اشترازی و تاکنیک سار -
 کست - لفتیستی خوبی نمی بیند " (همانجا)
 اما این اصول عام اشترازی و تاکنیک سار -
 گمست - لفتیستی حزب گداخت ؟ انقلاب
 ملی و دسکرتیک " - بر قراری " حکومت
 دسکرتیک و ملی با ست گیری سوسیالیستی " -
 بر مبری اپورتواری و با خرده اپورتواری و ست
 از سرمایه داری دولتی " ابزار حلق ایسن
 انقلاب و بر قراری حکومت دسکرتیک و ملی
 تشکیل " جبهه متحد خلق " است که خواهد
 گویند " لایه هائی از اپورتواری مخلوط و -
 کوچک که هر برمی تحولات ملی و دسکرتیک -
 ذینفع هستند سوری خود جلب کند - (تفسنامه
 سوب کنفرانس ملی) و " تشکیل جبهه متحد

خلق برای حشمتی کردن تزلزلها و سازشکاری
 مان اپورتواری لیبرال ضروری است " (نامه
 مردم ۱۲۵) - و فر خورد نیروهای مفرلسی
 غیر پرولتاری که در راستان میا همین طبق را
 تزار می خود می نویسد: " حاصل تحمین کننده
 در موع گیری کمونیستها در برابر نیروهای
 شرنی غیر پرولتاری درجه پدگیری انقلابی
 و میزان وفاداری آنها به بر نامه و آرمان -
 خلق است " (نامه مردم شماره ۱۲۶)

بدین ترتیب - اصول عام اشترازی و تاکنیک
 حزب روس می خود: تبلیغ ساری طبقاتی و فر -
 هم آمیزی نیروها و انقلاب و ضد انقلاب -
 اکثریت جناح تکبار شیر شن " انتقاد
 دی " بر گذشته خود بدون آنکه عنوان نما -
 بد " نمازی به شنبه در فرمولفندی اصول
 عام اشترازی و تاکنیک مارکست - لنینی -
 سنی خوبی نمی بیند " همین اصول عام را تکرار
 می کند - سوبیات پلنوم وسیع اکثریت تا کند
 میکند برای بر قراری حکومت ملی دسکرتیک
 " بر خرابی کتونی که سرنگونی رژیم جمهوری
 اسلامی آماج مضم جسارت است تا می انداد
 کسره از نیروها و انقلابی " دسکرت و -
 شس بر یک جبهه واحد ضرورت عاجل دارد " -
 حشمتی - لایه های با شینی اپورتواری نیز در
 برمی تحولات ملی و دسکرتیک منبغ اند " و
 اپورتواری لیبرال دارای " اعتقاد خود طرف
 به و عاز نگاران " است - بر نزد اکثریت
 این تنها کلان سرمایه داران هستند که باید
 طرفتوند و نیروی ضد انقلابی حساب سسی
 آینه - سایر بخشهای اپورتواری با هر جبهه
 متحد خلق " جا و میگردد و با اینکه باید
 شترد شوند - اکثریت در رابطه با ساهمین
 می نویسد: " سازمان ساهمین خلق متحد -
 نیروها و ملی و دسکرتیک ایران است بر این
 باید حمایت از زمان ما نسبت به این نیرو -
 اتحاد و بیابرد است " (اتحاد و بیابرد " -
 سیاست اکثریت در رابطه با جمهوری اسلامی -
 نیز بود) منافا اینسکه " در میان نیرو -
 ما و اینها می مواز ساهمین تما بلات دسکر -
 اتیک و مرفی سیمان نیرو مند است (همانجا)
 تما بلات دسکرتیک و مرفی نا ننجویان پست
 خط امام) - به هر حال آنچه کار تطهیر

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر آیدونیست‌ها مشغولند؟

حالی بلنوم اکثریت ماحول سینود همان سابقین - لیقانی و در مس آمیزی نیروها و انقلاب و غد انقلاب است - اکثریت حسین در رابطه با - وحدت در - جنبش کمونیستی و کارگری - مسی نریه - در مبارزه بخاطر تامین وسعت جنبش کمونیستی و کارگری ایران در حزب واحد بهیضات طبقه کارگر ایران و باید لزوما - امنیت تا بین وسعت نکوی و سیاسی با سازمان های مختلف به مارکسیسم - لنینیسم از جمله گروه منتخب از - زبان فدائیان خلق اسپران (اکثریت) و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) و برخی گروهها و معابد نیز مورد توجه قرار گیرد .

در صورت بلوکا پورتونستی « اکثریت » منتسب واسط بین حزب بوده و اکثریتی های کتنگری را بازو میکنند با چشم دانشی بداین که راه کارگر را هم بتوانند تنویق به وحدت حزبی کند و کتنگری ها نقش واسط بین اکثریتی های و برسی از سرروها « مارکسیسم - لنینیسم » خارج از بلوک (« آزادی کار » و راه کارگر) را ایضا میکنند در شرایط کنونی « اکثریتی های کتنگری با نقدی بر خود که مورد پسند « آزادی کار » و راه کارگر نیز قرار گرفته بستان مؤثرترس و - سده ترین طبقه رابطه بلوکا پورتونستی بنا بیرون از آن نقش یافته است .

کتنگری ها چه میکنند؟ آنها میسر میانی نظری پورتونسم را در بلنوم خود مورد تأکید قرار داده و با ملاح با برسی نقادانه گفته مسوانع « وحدت حزبی » را از سر راه کنار زده اند . کتنگری ها در تند - خود رژیم جمهوری اسلامی را از همان ابتدا ند انقلابی ازبایی کرده و با این طریقه پرو - نده حیانتکاری خود را محتوم اعلام نموده اند . این بیانی می مانند مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی ، تشکیل یک جبهه وسیع از - نیروهای مخالف رژیم و حرکت در جهت وحدت « جنبش کمونیستی » در گزارشی سیاسی کتنگری ها به بلنوم می خوانیم : « در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و مواجبه با خرابی کتونی « نیروهای معطش وجود دارند و صا -

تشی و سخاوتی بهم میبرند . ایزه سیون شد انقلابی یعنی سلطنت طلبان ... مردم را به روه کردانی از هر نوع انقلاب و انقلابگری و راهکار اسم فرا می خوانند » - (فدائی شماره ۲۰) اولین سنگ بنا و پورتونسیسم بنا نهاده شد و نیروها و غد انقلابی منصر به سلطنت طلبان شدند (مترادف با کلان - سوما به داران در نزد حزب بوده و اکثریت) - حالی می ماند عمل تمهید ما بر بعضی یورو - ژوازی - گزارشی سیاسی می افزاید : « لیبیرال ها و عناصر ترین نماینده آنها - نهضت آزادی ایران « نیروهای سازشکاری هستند » کسه آزادیخواهی ها ن « خود فرامانه » است . و بالا حره یعنی از نیرو - سیاسی یوزواری نسیز خارج از یوزواری ازبایی می خود تا بسر سبتای « ترفی خواهی این » به یکی از عناصر اصلی تشکیک جبهه وسیع کتنگری ها مبدله خود - گزارشی سیاسی می نویسد : « در خارج از جنبش کمونیستی یکی از نیروهای مهم ایزه سیون - ترفی خواه سازمان سپاهین خلق ایران است ؟ کتنگری ها هیچ نقادای از ترفی خواهی میا - مدین و پایگاه طبقاتی میانین ارائه نسبی معند و نقطه شذکر می شوند که « چشم میسم سازمان سپاهین خلق در مبارزه علیه رژیم حسینی غیر قابل انکار است و این مبارزه با تویه به اینکه در شرایط حاضر رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی پیشرفت جامعه و تقسیم اش مردم ایران است . برای نفی مشرقیستی است » - « نیروهای سیاسی از پایگاه طبقاتی - عان ششتر می شوند و ضد انقلاب و غد انقلاب در هم می آمیزد و حال باید فقرت سیاسی چانمین رژیم جمهوری اسلامی نیز در ابهام - پائی بیاند که انجام ننگاه نظری پورتون - نسیم جیم نهمده پس گزارشی سیاسی می افزاید : « رژیم جمهوری اسلامی با نفی آفکار حق ما - کسیت مردم ایران تحت لوی « ولایت فقیه » با ترکیب استبداد سیاسی و اختیای مذهبی مانع اصلی دمکراسی در ایران است » - اما کدام فقرت سیاسی چانمین رژیم حاکم با پسند خود؟ پاسخ همان « حکومت دمکراتیک و ملی » حزب بوده است . بر سبتای چنین ننگاه نظری

است که کتنگری ها هرملکی مایه را از سیر باز می فساد و بمنظور « تقویت تفکسل انقلابیون کمونیست » تا مزدها پس را بحررفی میکنند : جمعیانی از حزب بوده و سازمان اکثریت با انتقاد بخود راه کارگر و آزادی کار -

بعین ترتیب نیروهای پورتونستی - رفرمیست بمنظور انقلابی خلق پورتونسم با شرایط منحصی حرکتی را در جروب موازیسن پورتونسم از راست به جب آغاز نمودند و در این حرکت اکثریتی های کتنگری خود را تر منشی الهه جب بلوکا پورتونستی قرار دادند - اکنون دیگر انتظار ایجاب تطهیر شد انقلابیون طبقه پورتونستی - رفرمیست ، به منظور تقویت « نقل انقلابیون کمونیست » - (بسنای دقیق آن تقویت نقل رفرمیسم جدید) از سوی نیروهای مسجون سازمان آزادی کار و راه کارگر می رنت - « آزادی کار » منتا - فانه به پمپیا از پار قضی این حفاظت - « آزادی کار » همزمان با تگا پرو پورتون - نیستی به آن مقدار به راست خزیده بود که حال بتواند دستان کتنگری ها را بگرمسی بپردازد .

سازمان آزادی کار برای « تقویت تفکد انقلابیون کمونیست » از طرح برنامهای که در تیر ماه ۷۸ انتشار داده بوده معول - نمود و با پذیرش اساس موازیسنی که از سوی پورتونستی - رفرمیست ها و یوزو کتنگری ها عنوان عده بوده برنامده پمپیا دوی را « در باره جبهه دمکراتیک - ضد اسپریا - نیستی » در فروردین ماه ۷۹ اعلام نمود . در طرح برنامده سازمان آزادی کار جنبندی نیروهای طبقاتی و فقرت سیاسی چانمین رژیم کتونی چنین جمعیندی عده بود : « معقان - و خرده یوزواری شهری متضمن پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک هستند » « رده های فوقانی خرده یوزواری مومضی پمپیا یعنی در - انقلاب دمکراتیک دارند و پرولتاریا باید برای کفاندن آنها به مقون انقلاب و ما پس طرف راستن عان مبارزه نماید . سرگونی رژیم جمهوری اسلامی « مردم حکمتن ماخین دولتیسی بوروکراتیک - نظامی و استقرار جمهوری دمکر در صفحه ۱۸

سوسیالیسم

نقشانی کردند و با پهلوی میافتنده بلکه بسبب این طریق با مارکسیسم که چنانچه اجتماع یافته رهنمون مبارزه طبقاتی پرولتاریا بر علیه بورژوازی گفته است، نه فقط از پیرایه بلکه از نمود نیز به حساب بر میآوردند حار.

کسیم "آکاسیک" را تبدیل کنند و سایر کسیم انقلابی را بگویند، به عمده میباید

• تغییر - لیبرالیسم از مارکسیسم ارج نهند و بر آنچه که مربوط به "تغییر دادن" است خط بطلان بکشند.

اما تفسیری موجودیت دورانهای مختلف اقتصادی - اجتماعی و تبدیل یک دوران به دوران دیگر الزاماً به دنبال خود ساله "تغییر" یعنی چگونگی تبدیل یک دوران به دوران دیگر را طرح نمیسازد. برای ما، کسیم لیبرالی ساله این است که چگونه تبدیل یک دوران به دوران دیگر را "تغییر" کند که "تغییر" انقلابی در آن است. اما باید - متعلقه تکامل آرام و تدریجی است دوران به دوران دیگر که مینا برای هر جامعه بکار برده میشود یکسکه نتیجه می خود تا انقلاب - و نه البته هر انقلابی - ضرورت تاریخی خود را از دست میدهد. و البته این امر نیز در پودن مارکسیسم و با استناد به مارکس "آکاسیک" انجام میباید. مارکس در نوشته های خود به کرات نقیصه نیروهای مولده در تحولات اجتماعی را نشان داده است و انقلابات اجتماعی را نتیجه تناقضات و تضاد بین صنایع تولیدی و نیروهای مولده اجتماعی ارزیابی کرده است بعنوان مثال مارکس در نامه ای به پاولوف

واشیلونچ آنکند در سال ۱۸۶۱ می نویسد: "فرم های اقتصادی که در مردمان، افسان ها، تولیدده مصرف و تبادل می نمایسند فرسبانی تاریخی و گذرا هستند. با نیست آوردن نیروها و مولده جدید انسانها نظام تولیدشان را تغییر داده و با تغییر نظام تولیدی تمام روابط اقتصادی، که صرفاً روابط متناهی بر با یک نظام تولیدی معینی

پرولتاریا و انقلاب

تحولات اجتماعی، اثبات نموده است که دوران های مختلف تاریخی از یکدیگر قابل تمایزند که هیچ دورانی ایسوی نیست که تحول از یک دوران به دوران دیگر اجتماع تا پیشتر است - مارکس متذکر میشود که "شکال اجتماعی تولید هر چه باشد کارگران و وسائل تولید همواره عوامل آن باقی میمانند، ولی اینان تا هنگامیکه از یکدیگر جدا هستند فقط بالقوه عامل تولید بصر میروند، برای اینکه تولیدی انجام گیرد لازم است که این عوامل بهم پیوند باشند - نوع و عمده ویژه ای که بوسیله آن این پیوند انجام میگردد. نتیجه دوران های مختلفه اقتصادی - اجتماعی است" (کاپیتال جلد ۲). اینطور که ی بورژوازی که نظام سرمایه داری را ترویج می آغاز و امدی جا میزند و بدین ترتیب توده ها را به تسلیم عین به نظم میبوسد. "لیننیر" فراموشانند به تدریج در مقابل بل ارتقا - مبارزه طبقاتی پرولتاریا و نتیجه این تاریخ از جوامع عرصه را تنگ میکنند، برخی از این بحثها و گویا به شکلور انطباق با شرایط جدید مبارزه طبقاتی به فرم ها و تعلیقاتی در دیدگاه بورژوازی نسبت به جوامع بشری پرداختند. از مارکسی "آکاسیک" تبدیل پستال آنتو - دوراتی مختلفه اقتصادی اجتماعی - به رسمیت شناخته شد.

مارکس در ترمای پیوسته لودویگ فوشرگ گفته بود که "فلاسه تنها جهان را به عمده های گوناگون تغییر کرده اند و حال آنکه مقصود تغییر دادن آن است." در اینجا نیز "پروتولورگیا تا آنجا که "تغییر" دورانهای مختلفه اقتصادی ساخت اجتماعی "طرح است. میتوانده تغییرات مارکسیست - با بنده بدون آنکه از ایسین "مارکسیست" بودن - بر پایه داری چهار

است - نیروهای که صرفاً پرولتاریا است هستند از گونه های مختلف اند و جایگاههای متفاوتی در نمودن طبقاتی پرولتاریا را دارند. هستند و هر چند که این نیروها با دلائل و اشکال گوناگون وظایف اساسی انقلاب و لغت سیاسی را فرموله میکنند، لیکن در اساس از یک متدلوژی همرو می کنند و نتایج معینی اساسی بکنای را بر پیش برد جنبه بسیار می آورند. گوناگونی ادله، اشکال، اراده و نیروی بندی ایشان از انقلاب و لغت سیاسی و حتی نشانه های نیز و فرمت این نیروها با یک دیگر که صرف نظر از ظاهر عین و بر طرفی گرانه آن ماهیتاً در یک چارچوب قرار داده میباید. سرس ساله اساسی مورد بحث - سایه افکنده متدلوژی پرولتاریا است. در نتیجه این انقلاب و لغت سیاسی میباید است بر متدلوژی تحولات اجتماعی آرام و تدریجی و بدین جهت اکونومیسم و "تئوری مراحل" پلکانی نیز بنا میسازد. عملی میگردد که نتایج حاصله از آن عبارت است از: تبلیغ فرم سیاسی انقلاب - همبصری و همرو بورژوازی و هرده بورژوازی بر اساس رعایت "نویت" و تکه پاره کردن انقلاب و پیش گرفتن سیاست کب همروزی حاشی بزی بر مینا تا کنیک برسود - برآیند شکل کرد این پیوند، جنبه گیری از ایجاد صف مستقل تبلیغ کارگر و انطال طلبی است. از متدلوژی این جریان که میباید بر سر تحولات اجتماعی آرام و تدریجی است آغاز میکنیم. همه اصلی و فصل مشترک متدلوژی نیروهای پرولتاریا است. این جریان به پیش لیبرالیسم از تحولات اجتماعی را با پودن مارکسیستی تفسیر میدهد و بدین طریق رسالت خود را در خدمت گذاری به بورژوازی برای یک صنایع سرمایه داری انجام میدهد. دیدگاه اکونومیستی این جریان میباید است بر قوانین معام و سر تاریخی - جهانی تحولات دورانهای تاریخی و انظیای تدریجی و کلیه ای قوانین عام حاکم بر تبدیل یک دوران تاریخی به دوران دیگر به جوامع معنی و در اینجا به جامعه ایران - مارکسیسم در نتیجه میسر

زندگی با سوسیالیسم

سوسیالیسم

یرونتاریا و انقلاب

مشند تغییر می باشد. * تعریف لبرالیسم مارکسیسم ظاهراً نقطه ثبوت خود را بسا استناد به مارکس یافته است. رشد نیروهای مولده (که برخی از نیروهای جریان اپورتونسم راست آنرا تا حد رشد ابزار تولید (تقلیل میبندد) آن‌ها کلبیدی معهود گند توسط آن انقلاب در هر جامعه معینی را می توان تعیین کرد: اپورتونسم راست خمسون و سی و شش اساسی انقلاب در هر جامعه ای را بسا خا کلبید خود - برجه رشد نیروهای مولده - بلاواسطه می تواند ارزیابی کند. اپورتونسم راست بر مارکس تکیه میکند که گذشته بود * هیچ يك از فرمایشونهای اجتماعی نا بدید نمیبندد مگر آنکه همه اسکانات خود را برای رشد کلبه نیروهای تولیدسان به انعام رسانیده باشند * پس از دیدگاه اپورتونسم راست ابتدا باید در هر جامعه فرمایشون اجتماعی موجود را گسترش و تعمیق داد تا با رشد نیروهای مولده آن جامعه برای تحول به فرمایشون جدید آماده شود. اپورتونسم راست آنچه را که مارکس در مورد سیر تحولات توالی فرمایشونهای اجتماعی از دیدگاهی تاریخی - جهانی مطرح نمود است چه هر جامعه معینی و تری می باشد از این دیدگاه اکنون باید سرمایه داری در هر جامعه معینی کا سلا بسط باید تا اسکانات تحول به سوسیالیسم از طریق رشد نیروهای مولده نرون همان جامعه معینی فراهم شود. این دیدگاه توانین عام را که بیست عمومی تکامل و تحول يك فرمایشون اجتماعی به فرمایشون نوین و توالی مراحل آنرا بطور کلی معینی میسازد به توانین خاص تحولات اجتماعی در يك جامعه معینی کا سلا منطبق می نساید. در طول هیات مارکسیسم اپورتونسم سیمه بر پایه چنین دیدگاهی که در بیست آن مواضع نیروهای خیر پرولتری نیفته است. هواره با استفاد به توانین عام تحولات اجتماعی به احکال گوناگون خود را باز سازی کرده و در چنین انقلابی طبقه کارگر احلال نموده است - گزاین سلسله بر انترنایونال دوم (که بیست توسعه سنج آمیز سرمایه داری در آن زمان موجودیت خود را توسعه میکرد) بر این چنین بسط اپورتونسمی

در آتاری چون - در تاکتیک - ه - توسعه ای آوریل * و - بولت و انقلاب * جهان بهیسی مامعتاً متفاوت خود را از بسط اپورتونسمی مشوبکها نشان دادند. حال آنکه اپورتونسمی مرتضای این انقلابات و تحولات به بهره گیری از عا، کلبید همه جا حاضر خود و با استفاد به مارکس و خواهان رشد نیروهای مولده از طریق بسط سرمایه داری بسا ن خود کلبید خود بودند و هم عوداً بر سر رفیع و رجوع مواضع بسط سرمایه داری و تحمیل - تمیزی - های آن - گذاشته بودند. مطابقه امین مارکسیسم تعریف شده با بسط مارکس در مقابل تحولات سیر جامعه معینی خود و دیگر عینی تحریف لبرالی است که در مارکسیسم تاریخی از سوی اپورتونسمی صورت گرفته است. برای این منظور ما فقط بیک نمونه از تحریف مارکس به تحولات اجتماعی اشاره میکنیم. مارکس در نامه ای به هیات تحریریه روزنامه "آپورتونیزم" در سال ۱۸۷۷ به مقال آقای زوکسکی که اظهارات مارکس براساس تحولات روسیه را مورد نقد قرار داده بود پاسخ میدهد. در این پاسخ مارکس بیای استناد کلبیدی به قوانین عام تحولات اجتماعی بسا تویه به عرابط معینی روسیه آن زمان و بسود آبیتها (کمون های معقانی) میبویسد: "من به این نتیجه رسیده ام که اگر روسیه را می را که از سال ۱۸۶۱ دنبال کرده است ادامه دهم بهترین موقعیتی را که تا کنون تاریخ در اختیار ملتی گذاشته است از دست داده و دستخوش تمام بدتبر گشتگی های سیستم سرمایه داری خواهد شد. این نظر را مارکس زمانی مطرح ساخته که هنوز سرمایه داری در حال اعتلا بوده و به دوران احتضار خود فرسیده بوده یعنی در زمانی که اپورتونسمی با استفاد به مارکس تعریف شده ظاهراً فیلد بودند که خواهان بسط سرمایه داری در روسیه باعنده آن مارکس در حسین نامه ضمن ترویج دسترسی از توسعه سرمایه داری در اروپای غربی میبویسد * حال بهیستم نقد من چگونه میتوان این تحلیل تاریخی را در مورخه روسیه بکار برد؟ بطور ساده اینکه اگر روسیه بخوابد همانند و بدنیاله بر روی اروپای غربی بسا

استوار بود و کابوتکی پس از ارتداد کامل خود از مارکسیسم به تمسک همین بهیسی بر داشت در روسیه مارکسیست های قانوسی اپورتونسمی و مشوبکها همین بسط را در - بین کارگران تبلیغ میکردند و آنان را بسا مستمشن از انقلاب فرامی خواندند و اکنون در اینجا نیز حدایشین انقلاب پرزوا - دمکره - اینک و اتحاد با پرزوازی برای بسط سرمایه داری و رشد نیروهای مولده همین بهیسی را به پیش میکنند. تعریف لبرالی از مارکسیسم به منظور خارج کردن سرمایه داری از زیر غرب سارزه - طبقاتی هدفمند پرولتاریا صورت گرفته و میگردد. این تعریف که اپورتونسم را بیسای با تریالیسم تاریخی می نشاندده مارکسیسم را به حد بهیسی لبرالیها تقلیل می دهد و - تبدیل میکند. اما پرورد مارکس انگلس - چنین به جوامع معینی و مبارزه طبقاتی معینی و انتخبات معینی به روشنی بسط متفاوت اینان را از اپورتونسمی نشان میدهد. نه، مارکس و نه انگلس قوانین عام تکامل اجتماعی را که خود واضع بودند بصورت کلبیدی و قهرگرایانه به انقلابات اروپا در سالهای ۵۰ - ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ پاریس - تری تعادند. مارکس در آخری میبویسد "بنا بر طبقه در فرانسه * * * هیچم پرورد لویی بنا پار و "جنگ داخلی در فرانسه * * * از عرابسط معینی موجود اجتماعی آغاز میکنند با توجه به روند مبارزه طبقاتی ه صف بندی طبقات و توان بالقوه و همز بالفعل طبقات و اظهار اجتماعی به تحلیل "انقلاب" می پردازد و تاکتیک کمونیستی را بر این اساس بهیستاد میکند. انگلس نیز در تحلیل خود از انقلاب آلمانی که در یک سلسله مطالبات تحت عنوان "انقلاب و شد انقلاب" منمکی گفته است همین اسلوب را بکار میبندد. لنین و پلوتویکیا نیز چه در انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و پس از آن و - در سال ۱۹۱۷ هم در ساختهای مللی و هم

دو سال اخیر

لشمن، برآز انقلاب اکثری، بر زمینه عسری انقلابات شوروی و ما تکیه بر نسقوری

• انقلاب در زمینه ترمین طبقه زنجیر آهن -

بالینتی • خطاب به کومیستهای کورهای و عقب مانده غاوری گوید: «آنها با پادشاهین تری را که مرحله سرمایه داری تکامل اقتصادی برای ملتانی که در راه آزاد سازی خود کام بر می دارند و مختصر بهترین نسقوری تری در دوره برآز جنگ در میان نشان داده می شود، فرضی درستیند؟ یا خن ما منقحی بود: اگر پرولتاریا و انقلابی بهروز شده، تبلیغات منظمی در میان آنها بکند و حکومت های خورانی با تمام امکاناتی که در اختیار دارند به کشتن آنها بپردازد، در این صورت اشتباه خواهد بود اگر گمان کنیم که ملت های عقب مانده باید بطرز اشتباه ناپذیری از مرحله سرمایه داری ^{تکامل} بگذرند، مانده فقط باید رزندگان و سازمانهای حزبی مشغول در مستمرات و کورهای عقب مانده بدند آوریم، نه فقط باید تبلیغ بنفع خورا های معقانات را آغاز کنیم و بگویم آنها را با شرایط بهی از سرمایه داری مطابقت معیم، بلکه افترا تا جوئال کومیستهای باید با نالوده شوریک مناسب این قسمند و طرح کند که کورهای عقب مانده با کسک پرولتاریای کورهای بهتره می توانستند وارد نظام خورانی خود و با بهتر گذاختن چند مرحله تکاملی، بی آنکه نیازی به بهیور از مرحله سرمایه داری باشند به کومیسیم برسند» (لشمن، مجموعه سخنرانی ها در کنگره های افترا تا جوئال کومیسته)

در حالیکه خط منی لشمنی انقلاب برای جوامع عقب مانده عبارتست از استقرار نظام خورانی و دور زدن سرمایه داری تحت رهبری کومیستهای - خط منی اکونومیستهای خود را عین می باید که بملت فطرتی نظامات ما قبل سرمایه داری و ترجیاً نازل سطح رند نیروهای مولده انقلابات بیوزوا - دیکراتیک شرآز کومیس را برای ملی کردن - این طبقه ضروری در تاریخ بتز - برای این جوامع تیویز کند - اکونومیستهای گذرانند - این طبقه ضروری در تاریخ بتز - را به تمامی جوامع تسم می دهند -

پرولتاریا و انقلاب

تکامل اقتصادی خوب از مرحله سرمایه داری منسایب کننده همی واتی از آب در آمد - ملل اشتغالی تنها با به فرجام رساندن اینسن مرحله به تمن خواهند رسید - از اینسرو دشمنه ما جلوگیری از تکامل سرمایه داری - این طبقه ضروری در تاریخ بتز - نیست -

صحن مینا بود که مشقوبکیا نیز پسرای نتاش سرمایه داری بصیوه کلاسیک تر روسیه، به جنبی کارگری ستاب نه زبان نمود بیوزو - بازی به تشریح سیاسی می نگریستند - حال آنکه مشقوبکیا به رهبری لشمن با توجه به فروپاشی کومون های دغانی و تومس سرمایه داری تر - روسیه که لشمن در اثر خود تحت عنسواوی

• تومس سرمایه داری در روسیه • به تریسیم آن تر - خته بود، به این سیاست مشقوبکی در نثلمینند که چون انقلاب بیوزوا - دیکراتیک تر - نشور قرار داده باید بیوزوازی رهبری انقلاب و دولت را در دست داشته باشند، پسر تکر بلشویکیا با تویبه به فرایط بیوزویشگا و دینا با اساسی انقلاب و توان لیاقت نشند به تدوین تریه • دیکراتوری دیکراتیسیک انقلابی پرولتاریا و دستا نشان - برداشتنده تاشیهای خود را بر آن اساس قرار دادند - و پس در سال ۱۹۱۲ زمانیکه مشقوبس منسور تا کتیکهای خود را بر مینا و بس سرمایه داری به این طریق رند نیروهای مولده جهت کاش کردن - این طبقه ضروری در تاریخ بتز - بنا نهاده و خورا های انقلابی را به جمعیت بیوزو - وازی تر آورده لشمن و بلشویکیا از هسای آوری را در مقابل آن قرار دادند و انقلاب اکثری را که از دیدگاه اکونومیستهای بسک گناه کبیره به حساب می آمد به بهیوزوی رسانند

بر غلات دیدگاه، اکونومیستهای ک - این طبقه ضروری در تاریخ بتز - را عینا و تمام و کمال برای تمامی جوامع تیویز کرده قسا • همه امکانات خود را برای رند کلمه نیرو های مولده مان به انعام رساننده - و تیشما برآز ملی این مرحله تکاملی زمینه گذار به فراساده اجتماعهای دیکری حورآز خود -

بشک کتور سرمایه داری میدان بود - که بر چند سال اخیر هم در این مسیر مشکلات فراوانسور منجمل شده است - بدون اینکه ابتدا تمامان قابل توجهی از معقانات خود را به پرولتاریا تبدیل نکنده موفقیتی نخواهد داشت - بسد هنگامیکه در کرداب سرمایه داری عری کرهید، هاستند سایر ملیتهای بلشون بطرز به نسل توانین بهرم آن میباند - صین و بی - وشی برای شتقد من این بسیار کم است - او امرار دارد که تطیل تاریخی را از شکل کسبوری سرمایه داری در اروپای غربی عیه به کتوری تاریخی - دلنی در مورد راه عسوی تحول شده کشورها که بدون توجه به شرایط تاریخی منحن آنها بوسله تغییر بیویز شده است تبدیل نماید با این منظر که بهیراه عظیم ترین تومس نیروی تولیدی کار اجتهاسی و کاش ترین تحول را برای بتز نشمن نماید -

• وز ادامه سجد که • کن با استفاده از بشک توری تاریخی - فلسفی که ویژگی نسقوری العاده ای، مثال لوی تاریخی بودن آن نیز می بود و بکار بردن آن به عنوان یک مان، کلیده مرکز نمیتواند به حد برسد -

روجه • بهیتره سرمنشی را که تا کوزی تاریخ در اختیار سن گذاشته بود از حد داده تومس سرمایه داری کومون های دغانی را از هم باغاند - اینک تری را که مارکس و سز انگلس در مورد روسیه حد بدند بوسوع نیویت اما بر سر صین امر و نیز تحولات آنی روسیه دیدگاه اکونومیستهای و انقلابی خط و مرز کلا مشایخ خود را نشان دادند - اکونومیستهای (مارکسستهای قانونی) مشقوبکیا و ...) به بسط نظریات لیبرالی پرداختند و خواهان بسط سرمایه داری در روسیه تحت رهبری بیوزوازی و از طریق همان راه شناخته شده کت اروپای غربی ملی کرده بود شدند - اکونومیستهای با عدم تحلی امکان تحولی که مارکس برای روسیه طرح کرده بوده به تسمی نظریه اشکوبسیتی تکامل ضروری سرمایه داری پرداختند - بمتوان مثال را آن کول اکونومست رهبر حورآزالی دیکراتیهای طبقه تر کتور، بیسیمن الملک موم آسترهام اظهار نمود که • تریه مارکس که بسویبه آن بهتر گذرما قسما بر خواهند بود (عین اگر سنود هم باشد) در

کوانی و جنگ قدرت

آورده، تا آنجا زمینه‌های سیاست‌دولت‌دراپند که باید خود «بیشتر گران‌ترینی» کند را ترسیم نمود. این سیاستها عبارتند از: تنظیم قیمت‌بری از کالاها (که حدود ۲۰ کالا قیمت‌گذاری شد)، تنظیم سهم بندی و کاستن از میزان سودی که دولت‌پزنا - خت می‌کند و افزایش مالکیتها - رستخانی - نمود «داد که بشریخ از میزان سود کاشته خواهد شد و مثلا سودی که برنفت - سرتی و نان و روغن و غیره تعلق می‌گیرد حذف خواهد شد - یعنی مثلا قیمت این نوع کالاها از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ درصد باید افزایش یابد - در مورد مالکیتها نیز رستخانی برای آنانکه مالکیت‌مرد را نمی‌پردازند خط و - تعان کشید.

جناح دولت‌تقد داشت و دارد که بسر زمینه گران و فقر روز افزون و نسیب و رشک‌تکی مالی و اقتصادی دولت‌مبارزه علیه جناح بازار را حدت‌بهد و قبل از آن که انتقالات سیاسی شورای اسلامی فرا برسد جناح بازار را از یکسوی مواج اقتصادی و نیز سیاسی کنار بیگنارد - در این مبارزه

در عین حال تعدیل وضعیت اسفبار بودیست دولت‌را هم بر نشر دارد - بنا بر این ازمنه آغاز فنوای «مبارزه» با گران و احتکار و مبارزه دو جناح عمل می‌گردد - در همین زمینه روزنامه جمهوری اسلامی در هر مقاله ۲ صبر ماه از مقاومت و مقابله طرفداران سیاسی کسانی که در بازار به سودجویی مشغولند سخن می‌گوید - روزنامه جمهوری - اسلامی ساله مبارزه با گران و احتکار را مستقما به مبارزه با طر کب مواج کلیک در دستگاه دولت وصل می‌کند و می‌نویسد که میان بازار «در تمام دستگاه سیاسی - دولتی نفوذ دارد» در دستگاه قضائی هم - ستانی دارند «درست بکفته قبل از این اعلار روزنامه جمهوری اسلامی، کار مقابله دو جناح که اعتبار از گانال مبارزه علیه گران‌ترینی می‌گردد در مجلس شورای اسلامی به دنبال کشیده شد - تمامندگان طرفدار - جناح دولت‌با برونده‌ای میباید عده از سو - استفاده «کسانی در بازار» که در مجلس «طرفداران سیاسی» دارند قد افط - گری داشتند که توسط محمد پزوی نایب‌رئیس سلسه یکی از همان «طرفداران سیاسی» جناح بازاره از آن جلو گیری شد - در مقابل

این تهاجم جناح دولت «طرفداران سیاسی» و نیز «مجمعی» جناح بازار هم با سپا کردن پرونده‌ای از افداما شهر عری جناح دولت به مقابله پرداخته شد - در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی چنین نیایع و بدیعتی ما و فقر روز افزون توده ما است و هر جناح می‌گوید بر زمینست و زمینت موجوده جناح دیگر را عامل نیایع و فقر گران سرتی کرده و از این طریق موثقت‌مرد را در دستگاه حکومتی بجهت کند و یا مواج کلیدی جدیدی را پیشک آورد - مبارزه‌ای که جناح دولت علیه گران قروبی و احتکار برای انداخته است اساسا هیچ نیست - جز تقلیل سهم جناح بازار از درآمدا و سودها و نیز عالی کردن زیربانی در مبارزه سیاسی که در دور جدید بر سر - کب‌گرمی های مجلس شورای اسلامی چریک - دارد.



پرولتاریا و انقلاب

عین این مصلحتی از سوی اپورتونسم راست در مورد انقلاب ایران بکارگرفت می‌شود اپورتونسم راست ماه کشید تریج و بدنیرو ها و مولده را برای تهیهین انقلاب ایران رها نمی‌کند - ساختار اقتصادی - استامسیرا شعوی می‌کند که از آن بتواند خروج - ازت سر گذارندن - این طبقه ضروری در تاریخ بشر را در مورد ایران نیز استخراج کند با انکا - به - نازل بودن سطح رشد نیروهای مولده - که هیچ ملاک‌کس نیز برای تشخیص

آن نمی‌تواند عریه بهارده انقلاب پوزوا - دیکراتیک طراز کهن و دولت معمول پوزوایی را تشبیه گیری کند - بطوریکه از این موارد تاریخی مشاهده می‌شود کتبه نظریات اکونومیستها در همه حال به بسط نتایجیات سرمایه‌داری و از این طریق رشد نیروهای مولده علاقه می‌شود - اکونومیستها البته در حرف منکر حمله لبم نه‌شند و ظاهرا اعلام نیز نمی‌دارند که سرمایه‌داری را می‌نقد طالبند - اکونومیستها اما تحول به سرمایه‌لبم را موکول به بسط کامل نتایجیات سرمایه‌داری و رشد نیروهای مولده میکنند - و این امر را در هر زمان و تحت هر شرایطی (حتی آنکه نموده سیاسی

تاریخی بنهار گواه آن است) حذف‌مرد شمار می‌بندند - از این لحاظ تکامل گران‌ترینی سخت‌مفسسه اکونومیستها می‌گردد -

ادامه یازده

توضیح :
بسط‌گرت مطالب در این شماره اما - مطالعه - بولتن : گرامی برات در تقابل با دیالیم - در شماره آبی درج خواهد شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی سیارات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلتیای ایران

سوسیالیسم

جنگ و انقلاب و تزلزلات ذاتی راه کارگر

دیگر طالب گرفتن عسایست رژیم (یعنی جنگ) و یا بعبارت دیگر تبدیل صلح به رژیم فقیها میگردد و بعد راه کارگر طالب صلح خواستار جنگ داخلی و شکست حکومت هویدا میگردد. و هنوز عرق آنرا از بدن کفین شمار جنگ داخلی خشک ننند که بیان پا عدول به این سمت و آن سمت به نوسان بر می آید.

با این وجود، ریشه‌های زود تمامی این سیاستهای تند و تیزی و پاندمی راه کارگر را باید برگریصل مینماید و بایدگیری راه کارگر نیز در همین ریشه است؛ ممکن طلبی راه کارگر به مطالبات سکون و قابل وصول اعتقاد دارد و نخواستار این مطالبات را از طریق در دست داشتن نیش توده‌ها تونج میدهد. آنهم نیش توده‌ها از زاویه دید راه کارگر، بر حقیقت موضع دفاع طلبی راه کارگر در جنگ دولتی ایران و عراق - در دوره آفا زین جنگ - با همان تلاکی کب گریه که موضع تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی الی آخر، از همین رو است. وجودیکه راه کارگر بر موضع دفاع طلبی امر اتفاقان نموده است، لیکن فرما هیت مواضع این قهبری حاصل نموده است. دنیا که روی از حجر حوائت و اسیر لحظه‌ها عین به توبیه " تحلیل منحصرا از عریض حصی " و " واقع گرائی " مبتنی تمامی سیاستهای شناختن راه کارگر در طول جنگی است که در ماهیت آن تفاوتی اساسی صورت نگرفته است. تنها بررسی مختصری از مواضع راه کارگر از هنگامیکه بغیر جرات داد و عمارت تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را طرح نمود، روشنتر خواهد بود. موضع گمراهی راه کارگر نسبت به جنگ ارتجاعی است.

بگذارید عریض و دلائلی که بر مبنای آن راه کارگر شمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را عنوان نمود از زبان خودش باز گو کنیم. حدود یکسال پیش، راه کارگر در بیست و هفتمین شماره نشریه‌اش در مقاله " مرحله جدید در تقارن جنگ ارتجاعی و صلح " ما در قبال آن - برای اولین بار بطور

میگردد. راه کارگری که به جنگ و انقلاب بستن دور ساله میزا از یکدیگر بره خورد میگرد و هیچ پیوندی ما بین با این بعدندین به جنگ و سرنگون سازی رژیم نگذرد. خواستار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی میگرد. اما، اختیار خواهد بود اگر تصور نمود که راه کارگر در این موضع این ثابت قدم بسوده است. راه کارگر که تب تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی فرا گرفته بودی و حدود یکسال قبل با تردید این سیاست را بشناخته سیاست اصلی برای مقابله با جنگ ارتجاعی طرح نموده پس از آن، همین پا عدول به سیاست تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و سیاست تبدیل صلح به رژیم فقیها در نوسان بود. و بالاخره، اخیرا راه کارگر که از صبح توده‌ها برای تبدیل صلح به رژیم فقیها نا امید شده است تا کنون جمعی را بر چارچوب همین سیاست اتخاذ نموده است. سیاست تبدیل صلح به رژیم فقیها از طریق سیاست بین المللی -

چرا مواضع راه کارگر چنین سبک و خند و تیزی است؟ زیرا که اولاً راه کارگر اساسا از موضع خرده بورژوازی به جنگ (ها) نرسد سایر مسائل اجتماعی (مینگرد و بر همین اساس نیز تحلیل‌ها و سیاست‌های بی‌نی ناسد سیاست را در خود حمل میکند. ناسیسیا گرا به تا متعده متضع شده در راه کارگر نه فقط در زمانها و مراحل مختلف جنگ که حتی در یک مرحله و یک زمان سبب ارتجاعیست می‌شد و تقنین می‌نمود. و بالاخره ثالثا که خود نسبت از مو عا مل نوی سبب شده راه کارگر بتخلیل‌ها و مواضع آنرا با سیاست‌های رفتاری و خواسته‌های جزئی و ممکن و قابل وصول مطلق می‌نمورد. بر همین مبناست که راه کارگر زمانی دفاع طلب می‌نموده زمانی

تند آغوشی و درهم اندیشی این واقعه شده. کامی است فقط به شرب راه کارگر نگاه میسازدکنده بود تا هر کس که نامل جنس به الفبای علم مبارزه طبقاتی آشنائی دارد، متوجه شود که با چه آغوشه بازاری روی روبرو است. راه کارگر که نمیتواند مواضع این را نسبت به جنگ بر مبنای ماهیت جنگ و مطالبات پروتکلها در قبال آن تعیین نماید و بسر این پایه سیاستهای منجمی را به پیش کشده تحلیل‌ها و مواضع این را بر مبنای - تراکم امواج رادیویی که در هر برهه‌ای به یکسانتنگینی میکند فرار میدهد.

راه کارگر زمانی که تراکم امواج رادیویی بر افتال " سرزمین آبا و اجداد " محیط دولت عراق حکایت دارد و توده‌های مردم را " تب دفاع طلبی انقلابی " قفسرا گرفته است و دفاع طلب می‌نمود و بر حقیقت سیاست دفاع از جمهوری اسلامی را در قبال دولت عراق بهینه میکند. و زمانی بسوده وقتی که ساله صلح در سفر نشین‌های ربه بروشی قرار میگردد راه کارگر مفادی سیاست تبدیل صلح به رژیم فقیها میگردد و مسیر سیاستی را که بین جنگ و انقلاب جنسک و سرنگونی رژیم ربه و پیوند برقرار سازده می‌رواند و آنرا ریشه می‌نماید. جنگ ایامه می‌باشد و بدون اینکه در ماهیت جنگ و وگا پروتکلها نسبت به آن تفسیری حاصل نموده باشد. راه کارگر در برهه‌ای دیگر به یک گره ۱۵۰ درجه‌ای در مواضع این نسبت به جنگ روی می‌آورد. راه کارگر که مبارزه در راه خواسته‌های جزئی و مطالباتی ممکن و قابل وصول را موطن می‌کرده که خواسته‌های بلاواسطه توده‌ها را از امر سرنگونی رژیم جدا می‌نمود و برقراری - پیوند مستقیم بین خواسته‌های بلاواسطه و آسان توده‌ها و خواسته‌های سرنگونی رژیم را محکوم

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

سوسیالیسم

جنگ و انقلاب و ...

سفیدی عمار تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ داخلی را شرح میکند: «در چنین شرایطی، نودهای مردم برای قرار گرفتن در یک ناگرم میزند مستقیماً با موجودیت رژیم جمهوری اسلامی رو در رو بودند، تبلیغات انقلابی میتوانستند و باید عمار ملح را در ارتباط با کاملاً تنگنا تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند و از آنها که خوانان مایان با حق این جنگ ارتشایی هستند بخواند که سر و دست داشتن به شرح علیه میبودست رژیم جمهوری اسلامی بیاغبند، ما باید این جنبش را به نودها سرگوش که آن کسی که شرح میخواند باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده بود». راه کار، بین میبند - بر گروه فارسی، بسیار گفت چندین سال از آغاز رو در روی نودها با رژیم جمهوری اسلامی و جنگ که در تظاهرات شهرها (تروفول) تهران، برود و (۷۰۰) نمود بازی یافته بود به این درک داشت میبود که باید تبلیغات انقلابی شمار ملح را در ارتباط کاملاً تنگنا تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند. «راه کار، برای از گفتن آن از - جنگ تازه به این نظام است می باید که باید این جنبش را به نودها سرگوش که آن کسی که شرح میخواند باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده بود». راه کار که تا قبل از این تاریخ «انقلاب» را بدین جهت که بین برقراری ملح و سرنگونی رژیم ارتباط برقرار، می نمود و بر این نکته تأکید داشت که «باید این جنبش را به نودها سرگوش که آن کسی که شرح میخواند باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده بود». و شمار اصلی این بوده است که «سوی برزادی ملی دستکرتی باید جنگ ارتشایی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم» بدینکسرت و آثار است میخواند ظاهر به این امر واقف میبود که «باید عمار ملح را در ارتباط تنگنا تنگ با عمار سرنگونی رژیم شرح کند»

نایب کارگر مسکن طلب احسانا باسخ خواند داد کنیابط معصر را از ساد نمرید (آری تحلیل معصر از خرابی معصر) راه کارگر نیز میدانند که با مطرح نمودن مسائل کلی که از دید هیچ کس پوییده نیست (هر چند راه کارگر حدود یکسال پیش به این خرابی کلی واقف شده باشد) نمیتوانست «خرابیت معصر» را برای طرح این عصار نشو یا کند. بدین ترتیب نفلای راه کارگر برای یافتن «خرابیت معصر» آغاز شده. تبلیغات رژیم و تراکم امواج رادیویی بر روی این تبلیغات از فروردین ۵۶ در شماره «فتح زومیک» و «پیکر کردن کار جنگ» میبانی برای راه کارگر گردید. میبانی دست یابی به این جنبش که «آن کسی که شرح می خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده بود» این میبانی است، نامی ترانت کارزار باشد. راه کارگر هم ظاهر او خوش میبانیست که با جنگ انداختن به چندین میبانی بختواند خللویی برای اعلام عصار جدید نمیتواند فراهم کند. نکته - عطف جدید جنگ - «می آنکه در ماهیت جنگ و خللوانی آن نهمی حاصل شده باشد بصورت پخت بند عمار تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ داخلی» بین از اندازه دست و پسی - نمون بود. از همین رو بود که راه کارگر در نفلای خود برای یافتن «خرابیت معصر» به سواطی دیگر سر اماره میکند و می نویسد: «نمی بینیم که رژیم مستقیماً در رابطه با ادامه جنگ به سرکوب آذکار نودها در سر میزند و برای تأمین بومی جنگ در کارخانه ما را می بیند و نودهای وسیع مردم را به کسکسنگ میگویم می سازد بوسی ما در چه گذشته در مردم سمراتیب روغن تر از گذشته می می باشد که میبودست رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی یا پان این مگذار اجتماعی و جنبش است»

به اند سیرالمولی (تو گری کسه راه کارگر ما عد القصر کرده است) بر رژیم راه کارگر رژیم جمهوری اسلامی فقط از آغاز «مرطوب» بدین «است» «است» در رابطه با ادامه جنگ به سرکوب آذکار نودها

ها و مردم سوسیالیست - این درست است نه ادامه جنگ و شدید آن بر بار مشکلات و مسائلی نودها با انزوای رژیم این میبانی بعضی های هر چه گذشته در مردم دیوانه و از می باشد که رژیم مانع اصلی یا پان این جنگ ارتشایی و جنبش است. اما وای بحال آن نیرویی که تحلیل ها و مواضع خود را در ارتباط با جنگ بر شرح «آگاهی» معنی ساده ترین انظار مردم متکی کند. راه کارگر جنبش میکند. چرا که راه کارگر نیز میبونی عقب مانده ترین نودهای مردم، وقتی به ماهیت جنگ می می برد و با پیشنهاد انقلابی یا نودها میبانی جنگ را بدل از بلز میبانی اظهار میکند که تمامی نودهای آن جامعه را فرا گرفته باشد. و گرنه هر کسی که اندکی تصور سیاسی داشته باشد و انتظار چنین جمهوری از راه کارگر روا است می داند که از اینک گری بر بانی جنگ ارتشایی «رژیم مستقیماً در رابطه با ادامه جنگ به سرکوب آذکار نودها می مردم است» زده کسی که رابطه بین جنگ و سرکوب نودها را از آغاز «مرطوب» جدید جنگ - رژیم میکند تنها نشان میبانی بعد که تا از ماهیت جنگ و نه از ارتباط این دو با یکدیگر هیچ عیاضی ندارد. راه کارگر - زمانی به رابطه مستقیم ادامه جنگ با سرکوب نودها اعلان می کند که این رابطه کاملاً در همه جا بر این نامور شده باشد. بجز این کوتی راه کارگر حاضر است که از ماهیت جنگ و توسعه و دانش آن در تمام طول دوره جنگ و نه در «مرطوب» جدید جنگ به ارتباط مستقیم این دو با یکدیگر ناائل کرده. این ناائل نیز نمی تواند «خرابیت معصر» برای راه کارگر ایجاد نماید تا بر میبانی آن اعلام تبدیل جنگ ارتشایی به جنگ داخلی را توجیه کند.

بر راه کارگر جلد و بستهای دیگری را بسدی می نگیرد و می نویسد: «تدارک جنگ ارتشایی کنونی و نوسانات آن نه تنها موجب تقویت جنبش انقلابی پرولتاریا و دمکراسی را فراهم نمی آورده بلکه ابزار مستقیم سرکوب این جنبش در داخل کشور و مهاجرت

سوسیالیسم

جنگ و انقلاب و ...

نبراهت غارتگری سرمایه داری است. بی اشتک همین فتوحات و انجیر ۸ و ۹ را در نظر آوریم آیا براساسی بزرگترین * بیروزی * رژیم فریادها و احیر فتوحات و انجیر ۸ و ۹ بود یا اغرا حیا و سنجیمی کارگران؟ از این رو - کارگران و زحمتکشان و نفعان نفسی از این فتوحات نس برسند. نفع آنان در شکست حکومت مودی است. آری (آری) نفع کارگران و زحمتکشان در شکست حکومت مودی است. در سرنگونی رژیم جمهوری استعماری است. اما از چه زمانی؟ از زمانی که راه کارگر به این مهم رسیده است؟ غیر این حرکت ارتجاعی از همان آغازین افسوسوار تنظیم سرکوب جنبه فریاد کثرت بود. این سنگ ارتجاعی و نه فقط نتاوم آن. از همان آغازین، اگر بخواهم بزبان راه کارگر سخن بگویم، سوسیالیست قوی جنبش انقلابی پرولتاریه و دمکراسی را فراهم نمی آورد. همی از همان زمانی که راه کارگر پرچم دفاع طلبی برافراشته بود، این حرکت ارتجاعی افسوسوار مستقیم سرکوب جنبه بود. راه کارگر می گوید که کارگران و زحمتکشان نفسی از این فتوحات نس برسند. آری نمی برنده از همان آغازین نس برسند. و تازه راه کارگر حدود سال بیست و هفت از اینکه بحر های روسی از سر دم به تیریه و نیز کار آگاه گرانه دریا نماند که بیس باها جنگ و سرنگونی رژیم با بسند بودند زنده بفرگشت حکومت مودی انانده است. راه کارگر از فتوحات و انجیر ۸ و ۹ - نس می گوید. اما - سوما - ما نیز آن چه می شود؟ الفسریک و دو و همیره چه می شود؟ آیا میل از آن کارگران و زحمتکشان از این فتوحات تمسیر می بردند؟

راه کارگر نمی تواند هیچ * غرامت * منس * کجا جنبه های پرای روی آوردی به نمار تبدیل جنگ ارتجاعی. به جنگ داخلی نسیم نماید. با این وجود اگر راه کارگر با وجود تأخیر در طرح این نمار به خفایت و ضرورت اش می می برد و از آن پس تا کنه ط و شواص خود را نسبت به جنگ برامسین مینا استوار می کرده گامی به پیش نبردنا

راه کارگر چه در زمان طرح این نمار و چه پس از آن به آن کارترین عکس نشان داد که بلور مرصع و مستقیم و قاطع نمی تواند به تاکتیکها و مواضع انقلابی روی آورد و به آن پایبند باشد.

راه کارگر در همین مقاله راه گریز و برگشت به نمار - تمسک به طرح به رژیم - نقی - را باز می گذارد و می نویسد :

* بی آنکه از اهمیت نمار طرح بماند به نمار که خواست می و اجطل و وسیع ترین بود همی ای مردم را بیان می کند علت کنیم و بی آنکه از وزن این نمار بکاهیم و همچنین بی آنکه با بیان این جنگ مشخص یعنی جنگ عماری را نرونا منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ازبای کنیم با تبلیغ مترادف برای انقلاب اسماعی به جنگی که توسط رژیم ولایت نفیسه ندوم یافته باسخ می گوئیم * در حقیقت راه کارگر تلاش میده ای می کند که بین دو نمار با دو متون کاملاً متفاوت ربط و پیوند برقرار سازد و به این طریق تواناات خود را موجه جلوه دهد. راه کارگر می گوید نس حواد از اهمیت نمار طرح بماند به نمار بی واسطه توده های مردم بکاهد و غیر اینها نس گوید نس حواد با بیان این جنگ نس حواد سرورنا منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سازد. راه کارگر از نس می گوید :

* این حقیقتی مسلم است که سرنگونی حکومت مستقیم با سرنگونی جنگ گره خورده است و ما باید این حقیقت را به توده ها بگوئیم که آن گره که طرح می حواد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده شود. و تأکید می کند * بختها زهر چه گشوده تر سر دم به نمر همراست روغن تر از گشته در نس میبند نه موجود. رژیم جمهوری اسلامی مانع اصلی با بیان این جنگ ارتجاعی و جنبی است. و دو سوی دیگر با این استدلال که نباید * با بیان این جنگ منتهی یعنی جنگ ایران و عراق را ضرورتاً منوط به سرنگونی رژیم مسیم جمهوری اسلامی ازبای کنیم * مینای نمار تمسک به طرح به رژیم نقی را همچنان با بر جا نگاه می دارد. اما این نمانده نزلزل و ساست پاندولی آشکارتر از آن است که حتی از عهد هواداران راه کارگر نیز پوشیده مانده

راه کارگر که نمی تواند شنا * کج آفرینی ما به دروا مسود کند برای رنج و پویع مویع گهری های متضامن آن در ستون پاسخ یله تا همه در مدد وصله و همینه کردن نشوری ما بی بر ما آمد. حامله نشوری جمله که نشوری نده راه کارگر پورا مون جنگ است. در شماره ۵۱ نشریه راه کارگر در بعض پاسخ به نمانه می خوانیم که * در رابطه با سیاست ما در قبال سازمان نس جنبه جنگ و ارتباط آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی طوا لانی نمانه است که بسیر جنبه ایام فادر. همچنین در رابطه با مقاله * مرطه جنبه در تداوم جنگ ارتجاعی و سیاست ما در قبال آن سو نمانه است برای برخی از هوادندگان بیوسود آمده است * براساسی آنها انجام و سو نمانه در کار است و با کج سری راه کارگر است که هواداران را هم به سرکوبه انمانده است؟ پاسخگوی راه کارگر در رابطه با سیاست * ایما ت * و * سو نمانه است * می نویسد :

* در ارتباط با مطالب نوی شوالانی از این تبدیل طرح شده اند: آیا تمسک به راه کارگر حوس شده با عوامل جنبی تمسیر کرده است؟ آیا راه کارگر خواست پیروانه طرح را رها کرده و دعوت به قیام را بیای آن نمانده است؟ و آیا راه کارگر نظرات اقلیت را در مورد تبدیل این جنبه جنگ داخلی پذیرفته است؟

اینها تماما شوالانی است که در اثر سیاست های کج و مویع راه کارگر در نس حواداران ایجاد شده است. نه بنفهمی است و نه سو نمانه. اما پاسخگوی راه کارگر می حواد گانه و کوزه سیاستهای متضامن سازمانی را بر سر هواداران می کند لسانا معنی می بود که املا و ایما در سیاستهای راه کارگر هیچ تمسیری حاصل ندهد و مسج نمانی هم وجود ندارد. ما هم البته در مورد اینکه در سیاستهای راه کارگر مسج تمسیری حاصل ندهد با پاسخگو موافقیم و مستقیم که مجموعه تاکتیکهای التقاطی و سیاستهای پاندولی اس و اسامی سیاستهای راه کارگر را تشکیل می دهد. اما بهر حال حالی از ملت نیست که بیبنیم مشول پاسخ به نامه ها با کما من تمسیر بسط آمیزی

سوسیالیسم

جنگ و انقلاب ۰۰۰

سر و ته فتنه را بهم می آورد و هر «سور»
 فتنه‌هاست. خوانندگان غلبه می کنند. راه کارگر
 می نویسد: «اختلاف و اقلیت نیز در این
 زمینه (یعنی تبدیل جنگ به جنگ داخلی)»
 در قبول یا عدم قبول ضرورت ارتباط ملح با
 سرنگونی «یا در قبول و عدم قبول ضرورت
 تبدیل این جنگ به جنگ داخلی» نبوده است.
 اتفاقاً در این تأکیدات ما و اقلیت اشتراک
 داشته‌ایم.»

بالا لیب (چه اشتراکی؟ راه کارگر از
 کدام اشتراک سخن می گوید؟ راه کارگر می
 گوید که عنوان می کرد (و می کند) که باید
 عسایر لوزان حکومت فتنه را اودستن گرفته
 باید ملح را به رژیم فتنه تبدیل کرد چه
 اشتراکی با مواضع اقلیت داعیت (و داری)؟
 اتفاقاً همین ساله یکی از وجود مبارزه
 ایدئولوژیک ما را با راه کارگر تشکیل می
 داد (و می دهد). اما راه کارگر دنباله رو
 که در شماره ۲۸ نشریه این به مراجعت از تبدیل
 جنگ به جنگ داخلی سخن گفته است و در همین
 حال نمی تواند در از ملح رژیم فتنه بیز کند
 مرتباً به اینور و آنور می زند و اسیر را
 می گذارد «سور» فتنه خوانندگان و اشتراک
 موثر با اقلیت»

راه کارگر خود نیز می داند (و قاعدتاً
 باید بداند) که بین این دو سیاست
 خنده‌ان هیچ وجه اشتراکی وجود ندارد. از
 عصری است که تلاش کند این سیاست
 را با یک پل ارتباطی به هم متصل نماید و
 در راه یعنی در «تخلیل محض از شرایط
 سخن» از خود بیادگار بانی می گسارند.
 راه کارگر می نویسد: «لازم به تذکر است
 که جنگ داخلی ناشی رژیم فتنه را نباید در
 جنگ محض ایران و عراق علامه کرد. همانطور
 که همیشه گفته‌ایم، اینک نیز به این عقیده
 که رژیم فتنه اگر برای غلبه موجودیت خود
 راهی جز ملح با عراق نیابد ممکن است به
 این جنگ محض پایان دهد. از اینرو ما بر
 خلاف «اقلیت» معتقد هستیم که ملح رژیم
 فتنه با عراق الزاماً در هر شرایطی از سر
 نگرانی رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. اینها

تحت الحما هم‌راهی می آورد که میباید
 آن ملح بدون سرنگونی است. با چنین طریقی
 ربط و پیوند بین جنگ و انقلاب را از هم
 بگسارند. راه کارگر پس از طرح هم‌راهی
 جنگ به جنگ داخلی به تسبیحاتی متوسل شده
 است تا بی آنکه رسا این هم‌راهی را پس
 بگیرد و با به انکار آشکار آن مبارزت دور
 اما با جنگ فتنه‌ها سخن به هر روزه‌ای شرایط
 محضی را ترجمه کند که عملاً این هم‌راهی
 سخن فرجه دوم بیاید و تحت الحما هم‌راهی
 لفظی فرار بگیرد. زمانی با تظاهرات
 موتورسواران تهران که خواهان پیرونده شدن
 مقام بودند برقراری ملح (و نه حتی تسبیح)
 از طریق رژیم فتنه تا کنیک تبدیل جنگ
 ارتباطی به جنگ داخلی را به بحث محض
 می کنند. زمانی دیگر با افزایش فعالیت
 های بین المللی برای پایان جنگ راه کارگر
 تا کنیک برقراری صلح از طریق فتنه‌ها و بین
 المللی را به اسکلت میبندد تا کنیک این
 مبطل می سازد و الی آخر و تمامی اینها
 نشان می دهد که راه کارگر رابطه بین جنگ و
 انقلاب را درک نکرده است. از همین رو است
 که بین تا کنیک‌های متناقضه بین انقلاب و
 رژیم نشان می کند و دست آخر انقلاب را
 تابع رژیم میسازد.

توجه کنید که چگونه راه کارگر با اقلیت
 فعالیت‌های بین المللی برای «پایان»
 جنگ با وجود افکار به مبارزه فتنه‌ها علیه
 جنگ و رژیم جمهوری اسلامی دست آخر اسکلت
 تا کنیک‌ها را «در چنین شرایطی» برقرار
 بین المللی متکی می کند. «جنگ ارتباطی
 ایران و عراق» بدلیل موقعیت ژئوپلیتیکی
 هر دو کشور بویژه ایران... از همان آغاز
 دارای وجود و عواقب بین المللی مهمی بوده
 اما تیر شرایط کنونی وجه بین المللی این
 جنگ یعنی از هر وقت دیگر سر باز کرده و
 جنگ را وارد فاز جدید ساخته است. (راه
 کارگر شماره ۲۹) «برای هر کسی که به پایان
 راه کارگر آشنا باشد روشن است که «در
 شرایط کنونی» و «فاز جدید» دارای چه
 معنایی است و به چه کار می آید. حال فرض
 وجه بین المللی این جنگ است تا بر اساس
 آن شمار تبدیل جنگ ارتباطی به جنگ داخلی

استثنائی است که سخن گفتن از آن به از
 از وضعیت مربوط می شود. «پاسخگوی راه»
 کارگر گویا فراموش کرده است که «تلا»
 هشتاد و ابیات خوانندگان مربوط به مقاله
 «مرحله جدید در تقویم جنگ ارتباطی» و
 سیاست ما در قبال آن» بوده است که در آن
 نه از جنگ بطور کلی و جنگ داخلی رژیم فتنه
 بطور کلی بلکه از جنگ محض کنونی سخن
 رفته است. «شرایط محض» این جنگ در
 «مرحله جدید» ارزیابی شده بود و بر آن
 مبتنی شمار تبدیل این جنگ به جنگ داخلی
 طرح گفته بود. در آن مقاله پس از برعمرین
 «شرایط محض» عنوان شده بود «در چنین
 شرایطی» تسبیحات انقلابی باید هم‌راهی را
 در ارتباط کامل تفکات جنگ با هم‌راهی سرنگونی
 رژیم طرح کند و از آنها که خواهان پایان
 یافتن این جنگ ارتباطی هستند بخواهد که
 برای دست یافتن به ملح علیه موجودیت رژیم
 جمهوری اسلامی بیاورند. موجودیت رژیم
 جمهوری اسلامی مانع اصلی پایان این جنگ
 ارتباطی و چینی است. «مفاهیم می کنید؟
 ساله بر سر همین جنگ ارتباطی و چینی
 کنونی است و نه جنگ بطور کلی. و اساساً
 در مقابل جنگ بالقوه در آینده‌ای نامعلوم
 سیاست می خواهد که نامرئی خواندگان را
 حول تبدیل جنگ به جنگ داخلی جمع کند.
 اما راه کارگر فتنه نیست. حلقه راه کارگر
 برای توجیه همین بریدن دو سیاست متناقضه
 بسوازات بکشد است. برای توجیه سیاست
 های «تزلزل و نوسانی» می باید ما در
 همان زمانی که راه کارگر شمار تبدیل جنگ
 به جنگ داخلی را مستقیماً عنوان نمود گفتیم
 که راه کارگر نمی تواند در نظرش جدی
 باشد. در آن زمان وقتی ما گفتیم راه کارگر
 نمی تواند در همان شمار جدید جدی باشد و
 ما واقفاً در همان جدی بودیم.
 تمامی موضع گیری‌ها و تا کنیک‌های آن
 نده از سوی راه کارگر در طول یکساله که
 از طرح شمار تبدیل جنگ ارتباطی به جنگ
 داخلی می گذرده بیانگر این است که راه کارگر
 تا چه حد در طرح این شمار هم‌راهی پیسوده
 است. راه کارگر همواره بدنبال مواظبتی
 بود است تا تحت عنوان «در چنین شرایطی»
 شمار تبدیل جنگ ارتباطی به جنگ داخلی را

نحوه سیاست

جنگ و انقلاب و...

کماکان نفس درجه دوم آن تعاون بپایبند
 راه کارگر در همین مقاله می گوید:
 - تردیدی نیست که سازماندهی کارگران و -
 زحمتکشان علیه جنگ و برای صلح و سرنگونی
 رژیم نفا بستاند تنها اهم اساسی و تعیین
 کننده مورد توجه کمونیستها است. راه کارگر
 (اگر جمله بندی این را دقیق کنیم) درست
 می گوید سازماندهی کارگران و زحمتکشان
 برای تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی
 تنها اهم اساسی و تعیین کننده کمونیست
 هاست. اما این چه ربطی به راه کارگر دارد؟
 راه کارگر که با هزاران "اگر" و "اما"
 و "هرایط کمونی" و "فاز جدید" این
 تاکتیک اساسی و تعیین کننده کمونیستها را
 همواره تحت اشباع تاکتیکهای لفظی او -
 غیر اساسی می آورد؟ راه کارگر از "تنها
 اهم اساسی و تعیین کننده مورد توجه
 کمونیستها" سخن می گوید، اما آیا یک "تاکتیک"
 ناقابل ذکر "در خرابی کمونی" برتنها
 اهم اساسی ملاحظه بلان می کند. راه کارگر
 به از ذکر تنها اهم اساسی و تعیین کننده
 مورد توجه کمونیستها می گوید: "اما کمونیستها
 نیستند نمی توانند بخواهند بین المللی
 علیه جنگ و برای صلح نیز بی اعتنا باشند"
 اگر ساله ذکر همین مفهوم "نیز" و "بی
 اعتنا" بوده ما هم می توانستیم بپاراه
 کارگر بگوییم "اما برای راه کارگر
 این جمله مختصر فقط سه مورد از "تنها
 اهم اساسی و تعیین کننده" به عرصه
 تبدیل صلح از طریق فشارها و بین المللی
 است که در صحنه سازماندهی کارگر "در
 خرابی کمونی" فرار می گردد. این تاکتیک
 ما "در خرابی کمونی" مهارتند از:
 - الف- فروتنی صلح و هر گونه تقویت طرف
 جنگ افروز با پستی محکوم خود - ب- افتاد
 سیاستی جنگ طلبانه رژیم - ج- سکسوم
 نمودن مذاکره و حضور مستقیم امر با نظم
 آمریکا در مذاکره و یا لاف زدن - د- باید از
 تاختهای صلح که در چارچوب سازمان ملل
 صورت می گرفته بشرط آنکه ناقص و تعیین
 سرتوت طرفی ما و دو کشور و صلح بدون الحاق
 بلبی و هزماست نیاننده دعای کرده.

راه کارگر می تواند عنوان نماید آنچه
 ذکر شده مربوط به "روشن سیاست" در -
 رابطه با جنگ در عرصه بین المللی است.
 این "اما" سالهای نیست. ساله این است
 که سیاستها و فعالیت کمونیستها در عرصه
 بین المللی نمی تواند در انطباق و تناسب
 و با هم راستای سیاستها و فعالیتها
 داخلی نباشد. برای کمونیستها که با توجه به
 شرایط کمونی ایران (و نه آن "هرایط
 کمونی" - لحظه به لحظه راه کارگر) سازماندهی
 کارگران و زحمتکشان برای تبدیل جنگ
 ارتجاعی به جنگ داخلی تنها تاکتیک اساسی
 شان می باشد سیاستها و فعالیتها بین
 المللی شان نیز در انطباق و تناسب و با
 هم راستا با این سیاست و تاکتیک اساسی
 مشخص می شود. حال به "روشن سیاست" -
 راه کارگر دقت کنید تا معلوم شود که این
 سیاستها هم راستا با "سازماندهی کارگران
 و زحمتکشان علیه جنگ و برای صلح و سرنگونی
 رژیم نفا بستاند تنها اهم اساسی و تعیین
 کننده" است و با هم راستا با سیاست
 تبدیل صلح به رژیم نفا؟
 حلقه کنیم: هر چند راه کارگر ما بدون
 انقلاب و رقم سرگردان است، اما این سیاستها
 و فرمهای دولت است که راه کارگر را تسخیر
 کرده است. در رابطه با جنگ ارتجاعی دولت
 های ایران و عراق راه کارگر ما را در عرصه
 تاکتیک را نتوانم با هم به هم می برده اما
 در اکثریت فربه به اتفاق موارد راه کارگر
 نتوان "در خرابی کمونی" آن مجموعه
 تاکتیک را اتخاذ می کند و به اسکلت
 سیاستها و خود تبدیل می نماید که برقراری
 صلح بدون پیوند با سرنگونی رژیم را آماج
 فرار می دهد. راه کارگر می گوید که -
 "اعتقاد ما و اقلیت نیز در این زمینه در
 قبول یا عدم قبول ضرورت ارتباط صلح با -
 سرنگونی" ما در قبول و عدم قبول ضرورت
 تبدیل جنگ به جنگ داخلی نبوده است. اتفاقا
 در این تأکیدات ما و اقلیت انحراف ما -
 هم "اتفاقا اساسی اختلاف ما و راه کارگر
 دنیا در قبول یا عدم قبول ضرورت تبدیل
 این جنگ به جنگ داخلی است. اما راه کارگر
 توجه ما به هم تبدیل شدن جنبی و مرتبط

با این شماره اهل عمار را بر پایه نگه میدارد.
 اختلاف ما با راه کارگر بر سر این سیاست
 نیست که باید برای تبدیل جنگ ارتجاعی به
 جنگ داخلی تدارک دیده باید سیاستها و فعالیتها
 مشخصی داشته و باید امر تدارک را بر عرصه
 های سیاسی و سازماندهی به هم برود. جنگ
 ما با راه کارگر بر سر این ساله نیست که
 باید بر سر برعه خرابی موجود (خبرایط
 کمونی) را بر هم برد سیاستها و تاکتیک
 ما ملحوظ داشت. اختلاف ما با راه کارگر این
 نیست که باید با توجه به هم آماد و -
 رویدادهای جدید "مراحل جدید جنگ" -
 عمارها و تاکتیکها و سیاستها آن را نیز
 در مجموعه تاکتیکها بر نظر گرفت و اسیر
 تدارک سیاسی و سازماندهی تبدیل جنگ ارتجاعی
 به جنگ داخلی را همه جا نباید دنبال نمود.
 اختلاف ما با راه کارگر بر سر این ساله نیز
 نیست که هر عمار را نباید در تمامی شرایط
 و وقایع سازنده عینا بکجور تکرار کرد.
 در تمامی موارد فوق اختلاف ما با راه
 کارگر بر زمینه اختلاف اساسی مان یعنی
 اعتقاد (واقعی و نه موری) به ضرورت -
 تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی و در این
 است که ما معتقدیم آن سیاستها و فعالیتها
 تدارک سیاسی و سازماندهی که در عرصه
 تحقق عمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی
 باشد. در مقابل سیاستها و فعالیتها و تدارک
 راه کارگر اساسا میل به تبدیل صلح به رژیم
 نفا دارد. ما مستقیم که با ملحوظ داشتن
 رویدادها و حرکتها "هرایط مشخصی" و
 هم تبدیل عمارها و کمکی و حتی لفظی
 حتی اگر که یک گام باید تدارک برای تبدیل
 جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را بچلو بسوز
 داد. راه کارگر اما از هر چه آمد و
 رویدادی خود بدون روان می خود و مهارتانی
 را به هم می کند که هر کدام تا حصول
 نافی دیگری است و در عین حال برای سیاست
 گشتا بین جنگ و انقلاب در رژیم می رود.
 ما مستقیم که در تمامی شرایط و وقایع
 سازنده باید با حفظ منتخون عمار اساسی
 مناسب ترین شکل عمار که در خود گرفت.
 توده گیر شدن و اثر یعنی بر ساز و آهنگ
 در صفحه ۱۶.

سویسیا ایستون

چند کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

• ثقیوت نقل انقلابیون کمونیست • چسای
گهررد •

ایتیک توده‌ای که مسون طبقاً نمیدانند حاکمیت
دیکراتیک کارگران و نقانان و خرد بوزو
ازی به رهبری طبقه کارگر می باشد عسرت
بوزو و انقلاب دیکراتیک است • سرنگونی
رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دیکر
ایتیک توده‌ای هدف سیاسی مقدم ببولتاریا ی
ایران بنام می آید •

از زمان آزادی کار یا تمامی راست روی
ها و سیاستهای سازشکارانه‌ای اما با طرح
سیاست ترمیم ۶۶ نمی توانست بشاید نقد
نقدی ضد انقلاب و ضد انقلاب و تطهیر کننده
اپورتونیست عمل نماید • این طرح برنامه چه
بشماط نیروهای اجتماعی انقلاب و چه بشماط
فهرت سیاسی که باید با بگویی رژیم جمهوری
اسلامی عود و سایر مواردی که در اینجسیا
مورد بحث نیست • مانع در راه تشکیل جبهه
متحد خلق • بنام می آید • این مانع در
فروردین سال ۶۶ بطور کامل رفع گردید • پس
فاختن مانع به اینگونه نشور بزه عد • بصراط
بوزو زنی انقلاب دیکراتیک و تکامل آن •
به سوسیالیسم رهبری طبقه کارگر است • اما
واقعیست امروز جامعه ما اینست که جنبش
کارگری • کمونیستی در عیند و پراکندهگی
ببیرد • اشتداد منفی طبقه کارگر را حتی
از فاختن تشکیل ی منفی سرور کرده است •
جنبش کمونیستی بشماط پنهانگ طبقه کارگر
شمار فتنه بوده و رایبگ گذرده و محکمی
ببین توده کارگر و پنهانگ سوبود نیست
(کار • عماره ۱۸) • جسی • آزادی کار •
از این معروفات فتنه می گهررد که • ما
خرط شرکت خود را بر جبهه دیکراتیک • ضد
امپریالیستی • پشیری برنامه حدانگ مان •
از سو نیروها قرار نس دعیم • بر این
مینا است که هم مدبندی نیروها و طبقانی
و هم وظایف انقلاب از سوی • آزادی کار • •
مورد تجدید نظر قرار میگردد در حدی که
• گروه بندیها و بوزو • لیبوال در این
سبازره حرکت سواهند کرد • در طرح جمعد
جمهوری دیکراتیک توده‌ای که بعنوان هدف
سیاسی مقدم ببولتاریا • در طرح برنامه
آمده بوده کنار گذارده میود و تشکیل

مسان بر تارک برنامه از زمان آزادی
کار بر نشند • جبهه دیکراتیک طبقهای
ایران • جبهه است دیکراتیک • ضد امپریالیست
است و ضد اشتداد منفی که هدف از زمان
نمی سبازره توده‌ها و برای سرنگونی رژیم
جمهوری اسلامی • تشکیل دولت سونف انقلابی
و سر برگزیری انتحابات عمومی و سراسری
جبت ایجاد میلس مسان است •
با این شمیرات در برنامه از زمان
آزادی کار • اما اگر حویی را برای اشتداد
بشور اپورتونیستی از کانال اکثریت کشتگی
اعتبر نمود • آزادی کار • جسر بر تیرماه
بیلور شمیر ترو اکثریتی های نگهاری را •
نیز مورد خطاب قرار داد و از آنها دعوت
بمحل آورد که در انتقاد به گذشته از خود
ببگویی بهترین نشان دهند و چه گراهی را •
در برون اکثریت و در حقیقت برای تطهیر
اکثریت متیان نموده گراهی که خواهان
انتقاد نیست • گراهی که بطور جدی از گت
فته برس آسوحته و گراهی ساقریستی •
• این گراهی (گراهی شهر انتقادی) بیدر
لهله شکست منتضمانه می و برنامه گذشته
آبرو با شکگی و انفراد روز افزون حزب توده
و شکست شدن اکثریت حزب در برون اکثریت
و شمار جنبش روند تغییر را طی میکنند •
گر بر دوم با گراهی انتقادی در چند هم
که هنوز شمون و حدود مرها مصممی ایست
بولوزیک و حماسی بخود نگرفته باشد خواهد
انتقاد جدی از گذشته • است • نیروهای
که در این طبقه قرار دارند تری عکس ترا •
حس می کنند • رژیم صهیونی که اکثریت از رهگذر
گرویدن به می و برنامه رفرفیستی بسسه
جنبش وارد آورده خرا آنها رویمه انتقاد از
سود را بر انگخته و بسبب برس آموزی جدی
ز تبار بکشت گذشته سون داده است •
(کار • عماره ۱۹) • بر این مینا گراهی
شهر انتقاد در اکثریت • روند تغییر را
طی میکنند • و گراهی که • ترد عکس ترا •
حس میکنند • روند ثقیوت • و این همان گراهی
می است که از طریق آن اکثریت نگهاری •
هم باید تطهیر خود و در ائتلاف جدید برای

هر چند از زمان آزادی کار بشماط به •
اولین حلقه اتمال و سر شمون برین فیسرو
به بلوک اپورتونیستی بنام می آید • این
روند سبازره طبقانی طی دوره می از قیام و
علیت علما نتکاری بلوک اپورتونیستی آیدمان
خط و مرزی بی انقلاب و ضد انقلاب ترمیم
کرده بود که نه تفکاهی نیروهای اپورتونیست
نصبت • و فرمیت و نه حطل گرو مازسان
آزادی کار به تنهایی قادر به زایل نمودن
این خط و مرزا و محدود کردن ضد انقلاب و
ضد انقلاب نیست • از زمان آزادی کار بشماط به
نشد اتمال است و تغییرات • راه کارگر در
مقایسه با • آزادی کار • حطل و تیشنه
اتصالی مؤثرتر و نیرومندتری است • ابزار
راه کارگر برای ایفای این تفق برنامه و •
قطب نامه ها و پلنوم های می باشد که بتازگی
انتشار یافته است • در مرحله ضد برنامه
راه کارگر برای انقلاب کلید گنای خط و مرز
های انقلاب و ضد انقلاب است • پاسخ راه کار
گر به تکا پوی بلوک اپورتونیستی برای نیابت
و یافتن دستیاران جدید است • میانی فرم
آزمیزی انقلاب و ضد انقلاب و محدود نمودن •
شمون و ماهیت فترت سیاسی جا نمون رژیم
صهیونی از مدتها قبل توسط راه کارگر عنوان
دهه بوده اما قطب نامه های پلنوم بد این
خط می راه کارگر رسمیت و قانونیت یخچد •
کابوس حفره هولناک ولایت فقیه • و لسا
سجاست راه کارگر در بر کردن این حفره با هم
چیز • سکن • و همراهی با هر • فلیشم و
قدمی • به بیای ایتیک حتی از • از زمان
می موقت طبقه کارگر • است کشیده خود •
دیگر نموند عام و عام است • در نزد راه •
کارگر همین حفره ولایت فقیه است که •
المیم بوزو وازی متوسط و کوچک را ثقیوت •
کرده و آنان را به دلاخ از دیکراتیسی
جوزو وانی سون داده است • و این جوزو واری
در آزادی های سیاسی فتنع اند • •
بدان معنا است که ضد از هایش موقت بسا
آتای بسنطور بسط فترت طبقه کارگر و جبهه
انقلابی دیکراتیک بطور کلی می باشد •
(راه کارگر شماره ۲۲) • چرا که • دیکرا

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

می‌پورزوانی و دمکراسی پرولتری هر دو از عمده‌ترین مولفان ولایت فقیه در عذابند و به بدین خاطر باید تمام نیروها را بکسک طلبید و بر اساس "فصل متفرک احزاب سیاسی" به مقابله با رژیم جمهوری اسلامی شناخته و در این عناقبتن باید توجیه داشت که "طرح دمکراسی به صورت متولدگی لیبثانی موجب زمین غیر چپ می‌شود" این است ناسی آن مقامی مختصر در "جبهه دمکراتیک خلق" و "حکومت ملی و دمکراتیک" بلوک اپورتونیستی بزبان راه کارگر، فلسفای سعای پانوم، سه مرحله و سه برنامه راه کارگر، به ناسی این مقامی و عقولهای راه کارگر رحمت بخمد.

راه کارگر وظایف اساسی انقلاب را از مرحله اول و یا برنامه اول که برنامه "جبهه دمکراتیک" ده اسپریالستی است مدتی نود دهه چرا که "امروز ساله مقدمه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است که نخستین مانع تحلل آزادیها سیاسی و سه راه گشتری و تصحیح مبارزات طبقاتی پرولتاریا است" (راه کارگر ۲۵). راه کارگر سر الزامات تحلیلی این "ساله مقدم" را تشکیل میدهد و وسیع تر نظر می‌گیرد که حاصلین باید دمکراسی سیاسی "فدرتسیا" می‌فر چارچوب انقلاب دمکراتیک و ملی باشد. راه کارگر می‌گوید: "گرچه در مذبحسندی کنونی طبقات در جامعه ما، پورزوانی لیبرال این نیروی ذخیره ضد انقلاب محسوب می‌شود و سزای سیاسی امر او را در پیکارهای بزرگ مدتها در مقابل با طبقه کارگر بوده. های زحمتگر قرار می‌دهد، اما چنانچه عناصر با جریانی از لیبرالها به پلافسم دمکراتیک بپیوندند و ناآنها که از آن استقبال کنند می‌توانند بر جبهه دمکراتیک پهنترند شوند" (راه کارگر ۲۲).

آن پلافسم دمکراتیکی که برای پورزوانی لیبرال بعنوان "نیروی ذخیره ضد انقلاب" (و نه خود ضد انقلاب) پهن رفتنی با عده معصوم است که از چه قماش است و مسئولین "جبهه دمکراتیک" ده اسپریالستی "راه

کارگر به چه کاری آمد، آنچه که راه کارگر برای انقلاب ایران در قدم اول پیش روی طبقه کارگر قرار میدهد مراسمها و خواها ندر هستند و همین به راه کارگر بستاند به نسیه اتصال مطلوبیت می‌بخشد. این هریست که برای راه کارگر قدم اول و تک است متروپ و سوت که خود اعلام می‌دارد. اعتقاد به تحکیم "فدرتسیاسی انقلاب دمکراتیک و ملی" ندارد. اما این برنامه تا کتبیکی راه کارگر درست همان علوی است که لیبرالیسم و رژیمیم خواها ندر هستند. "دوره تنفسی است که راه کارگر به طبقات انقلابی و در بینا بهمنان طبقه کارگر می‌بندد و میکند که به لیبرالها و اپورتونیست رفرمیستها فایده خود و این هریست همان عواضی است که لیبرالها و پوسوه در شرایط کنونی اپورتونیستها نیاز به آن دارند تا خود را بازاری کنند. راه کارگر این وظیفه را بر عهده گرفته است. بر این مبنا است که راه کارگر متفانه به استقبال افتاده از خود کنترولی‌های رود و با اعلام اینکه این اعتقاد "کار کینا" شینی است که هر چند پس از دولتی و تریه غولانی برداشته عده است اما بهر حال گامی به سزاست" گامی که سبب مفود راه کارگر گر "دیگر لیلی برای باکوتسیاسی کدشریها نبیند" (راه کارگر ۲۴).

راه کارگر به تطهیر اپورتونیستها مشغول است و با سیاستهای پراگماتیستی و راست روانه خود زمینه خارج ساختن اپورتونیستها را از انزوای سیاسی فراهم می‌آورد. راه کارگر از حقه و تفتت و پراکندگی کمونیستها و طبقه کارگر چنین نتیجه گیری می‌کند که باید "جبهه سرنگونی" را هر چه وسعتر نمود و ضد انقلاب را در "جبهه سرنگونی" که حامل نیروهای انقلابی می‌شد انقلابی است حمل کرد. راه کارگر از ضعف کمونیستها و بی سازمانی طبقه کارگر "سازش طبقاتی" را نتیجه گیری میکند. راهی که راه کارگر در مقابل مشکل

امروز قرار میدهد تنها به ابدی کردن و تقویت این مشکلات کمک میکند و فعلا امروزه را فردا مد چندان وسیع تر می‌سازد.

انقلاب و طرد لیبرالها و اپورتونیست رفرمیستها از ضد انقلاب طبقه تولید نا. بنظر کمونیستها است. تفکیک ضد انقلاب و ضد انقلاب و تأکید بر این جدایی و حفظ خط و مرز میان این دو ضد انقلاب نظر کمونیستها نه اسری اطلاق است و نه صرفا در جهت ایجاد زمینه‌های لازم برای پورزوانی انقلاب دمکراتیک. رهنمون کمونیستها در سرفه بندی نیروها و طبقاتی و چگونگی برخوردشان به انقلاب نمی‌تواند جز در راستای مصالح پرولتاریا یعنی تشکیل حزب کمونیست، تشکیل پای و توانمندی طبقه کارگر و حفظ استقلال طبقاتی کارگران برای انقلاب سوسیالیستی و برپائی دیکتاتوری پرولتاریا باشد. آنگاه که تحت بنانه انقلاب دمکراتیک که پورزوانی طبقه کارگر قرار دارد اسریم فراوانی اشتراکات پرولتاریا می‌کند و به منظور پورزوانی انقلاب دمکراتیک بدون اینکه رابطه این انقلاب را با اشتراکات پرولتاریا در نظر بگیرد، خواهان تقلیل هواسها و وظایف انقلاب می‌دهد که انقلاب دمکراتیک را که باید موانع پورزوانی طبقه کارگر را از سر راه بزداید به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تقلیل می‌دهد و بر این راه بر دستاوردهای غوغین و بر از فرد و رنج طبقه کارگر در طرد اپورتونیستها عطا پلان می‌کند و طبقه کارگر را دعوت می‌کند که ما بر آستین خود پورزوانی دهد. جز حد متگذار به اپورتونیستها و لیبرالیستها یعنی انجام نسی عده، جز اینکه اشتراکات پرولتاریا را تحت الشعاع مصالح طبقاتی غیر پرولتری قرار دهد کار دیگری از پیش نمی‌برد.

در هم آمیزی ضد انقلاب و ضد انقلاب جز تبلیغ "سازش طبقاتی" چیز دیگری نیست و کمونیستها موظفند بر تفکیک این طبقه تأکید نمایند. انفعال و طرد اپورتونیستها و لیبرالها یا مسامحت طلبی و با معذوب نمودن انقلاب و ضد انقلاب معسر نیست. راه کارگر که اما خود را کمونیست

سوسیالیسم

چه کسانی به تطهیر اپورتونیست‌ها مشغولند؟

می‌نماید به این کار مشغول است و خود راه به نسبت اتصال انقلاب و ضد انقلاب تبدیل نموده است. این نفر از تزلزلات ذاتی راه کارگر ناشی می‌شود. نیز راه کارگر اما نیروهای دیگری نیز هستند که به آن‌ها بهار سرکه تبدیل گشته‌اند. اینان با ایهام‌گری در مورد ماهیت انقلابی اپورتونیست‌ها و با سکوت گذاردن آن، با مقله‌گری سینه‌به‌سینه با نیروهایی که در ضد انقلاب قرار می‌گیرند، با گسستن رابطه میان انقلاب دمکراتیک و سوسیالیستی و با تحریف مستقیم و غیر مستقیم نیروهایی که بسمه تطهیر آشکار و بی‌پرده اپورتونیسم مضمون‌لغده از مسائلی انقلابی عدول میکنند. برپای‌هورامحالی و نیز کمیته ایرانی بر این زمره فرار دارند.

هورامحالی با سکوت گذاردن تصدیق ماهیت طبقاتی نیروهای بلوک اپورتونیستی راه بر تطهیر آنها گزیده است. هر چند خود هنوز به عنصر فعال تطهیر گری تبدیل شده است. هورامحالی بدون در نظر گرفتن مصالح پرولتاریا در انقلاب و اتحاد عملی حاد حساسیتی را در پیش گرفته است که به نقیبت‌سیاست‌نیروهایی که نقش «تمسک اتصال» را بازی می‌کنند می‌انجامد. اگر «کناریم» عملاً در راه انقلاب و اتحاد عملی مسکن‌اندازی می‌کنند نیروهای حامل انحرافات لیبرالی چون هورامحالی از نقش کنترلیسم منحصراً برای «آزادی» عمل در انقلاب و اتحاد عملی می‌سازد که تنبیه‌اش حتی اگر که غیر مستقیم باشد اعتنائی آن‌ها را در ضد انقلاب و ضد انقلاب حواد بود. کمیونتها بر این پایه که چون می‌بازند با نیروهایی که در ضد انقلاب قرار دارند در مورد مسائل شخصی وارد اختلاف و اتحاد عملی خود به این نیت‌های می‌شوند که نتمسک‌خراپی و بدون در نظر نداشتن نتایجی که از انقلاب و اتحاد عملیست حاصل می‌شود به این میاز بودن جامعه عمل می‌جویند. میاز بودن یک چیز است و عقید اختلاف و اتحاد عمل چیز دیگری است.

هورامحالی این نو را بر هم متعلق میکند. کمیونتها می‌بازند که با نیروهایی که در ضد انقلاب قرار دارند وارد اختلاف و اتحاد عملی بر سر مسائل شخصی می‌شوند اما تحقق اختلاف و اتحاد عملی خطوط به ارزیابی نتایج آن بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا است. زمانی که افکار و طرد لیبرالیسم و فرحسم که همزمان بسیار زیادی در اثر مبارزات طبقاتی بر سر خیابان همین ماه‌انجام گرفته است و اکنون بنا به شرایط حاکم بر مبارزه طبقاتی پرولتاریا می‌باید بنا وقت و بی‌گیری کامل دنیا بوده هر اتحاد عمل و انقلابی (هر چند مبارز) اگر در راستای نوعی قرار نداشتند یا حاد به مصالح و منافع پرولتاریا و استقلال طبقاتی این لنگه وارد می‌آورد. هورامحالی بد لفظ نیز مورد ماهیت بلوک اپورتونیستی سکوت نمود. ده است و راه را برای گسستن نیروهای این بلوک در ضد انقلاب باز گذارده است. بلکه همچنین با سخاکی که در رابطه با انقلاب و اتحاد عملی در پیش گرفته است به نقیبت‌تقیس «مطلی‌گری» و «تمسک اتصال» راه کارگر کش می‌کند.

علاوه بر هورامحالی، جریان کمیته اجرائی (توکک) نیز در مقابله با اپورتونیسم و لیبرالیسم از خود تزلزلانی بروز داد. است که هر چند هنوز تشبیه‌شده و کامل نیست. لیکن اگر این سیاست ادامه یابد و تصحیح‌گرفته کمیته اجرائی نیز خود را در کنار راه کارگر و در نقش «تمسک اتصال» خواهد یافت. کمیته اجرائی هم چون هورامحالی «کنترلیسم» سلط بر «سازمان» را پوشش کرده است که با نقد آن و نیز «عمود» بر خورد غلط به سازمانهای غیر پرولتاری «سازمان حاکم بر تفکیک ضد انقلاب و ضد انقلاب را محدود نماید. کمیته اجرائی اکنون این امر را با احتیاط و پوینده با ایهام و تزلزل دنبال میکنند. کمیته اجرائی در «کار» ۲۱۰ و ۲۱۱ از «افکار» و انفراد لیبرالیسم و فرحسم سخن می‌گوید: «طبق کارگر باید از موضع

با فشاری روی دمکراسی انقلابی و خرده‌بویزد. ازی را بعود ملحق‌سازده لیبرالیسم و رفرد مهم را می‌نماید نماینده جمهوری اسلامی را. سرنگون کند. «کار» ۲۱۰ و برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق این امر مستلزم الحاد و انفراد هر چه بهتر رفرد مهم و لیبرالیسم است. «کار» ۲۱۱. کمیته اجرائی فاعداً باید به تفاوت بین «انفراد» و انفراد و «افکار» و طرد که مربوط به دو جایگاه متفاوت در مبنای طبقاتی است واقف باشد. کمیته اجرائی نمی‌تواند بیاد نداشتند باشد که در کنگره اول سازمان مفهوم «افکار» و انفراد در رابطه با نیروهای بی‌بنا یعنی بکار برده شد در حالی که مفهوم «افکار» و طرد در رابطه با نیروهای ضد انقلابی معنا می‌باید. کمیته اجرائی همچنین در مورد حزب بوده و اکثریت می‌نویسد: «مطلقاً فاعداً هر گونه ماهیت انقلابی هستند. اینان به حسب شرایط مختلف سیاسی یا مستقیماً در ضد انقلاب قرار می‌گیرند و یا هر لحظه مستعد ساز و خیاانت‌اند.» «کار» ۲۱۰. این حکم سرعاً بستای نمی‌شد انقلابی بودن نیروهای بلوک اپورتونیستی است. اگر چه کمیته اجرائی در کنفرانس خود از این حکم یک‌گام بی‌بخت‌نست و اعلام نمود که «حزب و سازمانهای اپورتونیستی و رفردیت تطهیر حزب بوده» و «اکثریتها» که از جنبه طبقاتی منافع لایه حاد فوقانی خرده‌بویزد. وازی را نمایندگی می‌کنند. فاعداً هر گونه ماهیت انقلابی بوده و در ضد انقلابی سیاسی در ضد انقلاب قرار دارند. «کار» ۲۱۱. لیکن این یک‌مطلب نیستی تا کنونی فعلاً بیشتر بحساب می‌آید. چرا که دوگانگی در این فرمولبندی تا کنونی موج می‌زند. کمیته اجرائی اگر معصم سازد از چه روی بلوک اپورتونیستی در ضد انقلاب قرار دارند راه برای بازگشت به فرمولبندی «کار» ۲۱۰ همواره هموار است. اگر در پلنوم سال ۶۱ سازمان «چاپخانه» حزب بوده و اکثریت پهلایل معصم همکاری با

سوالهای پانجم

چند کسانی به تطهیر ایورتونیست‌ها مشغولند؟

جمهوری اسلامی در مسند انقلاب ارزیابی کرده است که اکنون که یک چنین همکار موجود نیست، کسند اجرائی با کدام معیار و دلهلی جا به بگا، این بلوک را در مسند انقلاب می‌باشد؟ کسند اجرائی و معز عوامی هلا تزلزلات خود آب به آسباب تطهیر کنندگان - ایورتونیم می‌ریزند، در همین حال تزلزلات این دو با تزلزلات ذاتی راه کارگر که در برنامه و خط مشی این نیز تبلور یافته است، مناسبت است. لیکن این دو نیرو اگر که بر سببها و کثرتی مان تا کید ورزند، آسرا ادامه دهد و به آن نسیم بختند در آینده این نمایر نیز زائل خواهد شد. ایورتونیم نیستند تمتت و پراکندگی جنبش کمونیستی و کارگری، بی سازمانی طبقه کارگر، افست مبارزات تنوعی و تفاوت موجود در رژیم فوی ارتشامر جمهوری اسلامی را زمینه‌ای برای - تمهیدات، تطهیر و تقویت بلوک ایورتونیم نیستند. سازمانی لیمالی کارگران - تکلیف به وضعی از نیروهای انقلابی و ند انقلابی مخالف رژیم و بر بانی یک دمکراسی سیاسی تحت عنوان "حکومت دمکراتیک و ملی"

برهبری بورژوازی و خرده بورژوازی کرده اند. سانسرها بر اساس همین زمینه ها انقلابی از نیروهای سانسریست و ایورتونیست را حرکت در جهت تشکیل " حزب کمونیست " القا می کنند " جنبه دمکراتیک - شد امیریا لیمتی " خود را با هر نیرویی برای بر کردن جنسره حولتک ولایت فقیه هر می کنند و دستاز - برنامته اشقیی پرولتاریا بر سی دارند تا " قدرت - ساس انقلاب ملی و دمکراتیک " بشناسد بر فرار خود - در شرایط کنونی ما - نرسنها به نسعه اتصال انقلاب و نسبد انقلاب تبدیل شده اند. کمونیستها و آما، از شدت و پراکندگی جنبش کمونیستی و کارگری تطهیر ایورتونیستها و تقویت سانسریستها را نتیجه نمی گیرند. از سی سازمانی طبقه کارگر و است مبارزات نموده ای، هر سازمان - نسعی لیمالی و هر " جنبه ای " که با همی " سازمانی " استرا نتیجه نمی گیرند و در مقابل ارتجاع حکومت اسلامی برنامه - خود را بعد مرنا برنامه یک سبب سرتکونی تقلیل نمی دهند، در چنین شرایطی کمونیست ها جز با تأکید بر مبارها و سیاستهای -

انقلابی پرولتاریا و جز با حرکت در جهت تشکیل حزب کمونیست و جز با انفا - و طرد لیمالیسم و فرمسم و جز با فرار دادن - یک قدرت سیاسی انقلابی و دمکراتیک بسبب رهبری طبقه کارگر در مقابل جمهوری اسلامی و جز با اتحاد مسلح و انقلابی که در خدمت مصالح و احداث پرولتاریا بانده نمی توانند بر مرایه موجود فاشی آینه آکسیون سانسریستها به تطهیر ایورتونیسم معقولند و مد انقلاب و عد انقلاب را برهم می آیزند. کمونیستها اکنون در جهت تحق استراتژیی پرولتاریا باید تلاش خود را در جهت انفا - و طرد ایورتونیم دو صد چندا کنند - باید در مقابل با در هم آمیزی انقلاب و ند انقلاب و تبلیغ سازمانی طبقه کارگر، بسس تذکک سانسریست و عد انقلاب و معز استقلال طبقه کارگران تا کید خود را دو معنجان کنند. تنها با پایبندی بر برنامه و خط - مشی انقلابی - پرولتاریا و با این گهری معار ها و سیاستهای انقلابی است که نسعه اتالی سانسریستها از هم کسند خواهد هه

○ پاسخ به سئوالات

می باشد و این یکی نیز منوط به کامل شدن وظایف سازمانی ما می شود.

در رابطه با اینکه سیاست تشکیلی ما بر چه اصولی متکی است اگر منظور اصول نا - ظر بر کار کارگانهی تشکیلات و وظایف و - حقوق نیروها و تشکیلات است، این ساله در اساسنامه هر تشکیلات پاسخ داده می شود.

اکنون رفقای از همه مسئولیت تدوین یک اساسنامه سازمانی را بر عهده گرفته اند یا توجه به ناراضی ها و - کمبودهایی که در اساسنامه های قبلی وجود داشته و نیز نقد و جمع بندی از پراکندگی " سازمان " در عرصه تشکیلات و اطلاعات و تشدیرات تنوعی را در اساسنامه قبلی آورند به افتخار تشکیلات و وظایف و حقوق ارگان - های مختلف و انفا - را بر مینا ایستول ما فترالیسم دمکراتیک تدوین نموده است

رلفا باید توجه داشته باشند که صرف تدوین و تصویب یک اساسنامه نمی تواند به تمامی مشکلات تشکیلاتی پاسخ دهد و راه را جهت ایجاد تشکیلی حزبی الزاما هموار نماید. بعنوان مثال در اساسنامه ساختمان و وظایف کمیته های محریستان، منطقه و ... ارتباطی این کمیته ها با یکدیگر مشخص می شود - اما زمانی که چنین کمیته های عملا موجود - یت هاری ندارند و یا هشتهای موجود در حدی نیستند که بشناسد یک کمیته منطقه ای را با ... برحسبت شناخته شوند اصول اساسنامه چگونه به مرحله اجرا درمی آید؟ و با در مواردی دیگر در اساسنامه حقوق و وظایف مشخص می شود که در اساسنامه چگونه اجرا و به میرد آن نهاد نمی شود. بعنوان مثال این یکی از حقوق مسلم اقلیت تشکیلات است که در نظریات سازمانی نظریات خود را متمسک نماید. اما در اساسنامه عبسوه اجرا می شود بر این حقوق منظور نمی شود.

بما بر این ما با توجه به رودی که در ما - زمانه نسعی در راستای ساختاری که در اساسنامه منظور می شود در بعضی موارد و نظریات در نظر گرفتن لغدی که از بسبب تعقیباتی گذشت بسمل آورده ایم علاوه بر اساسنامه یک سیاست عملی تشکیلاتی معنی و تدوین شده. علاوه تدوین آئین نامه اجرائی را نیز در دستور کار قرار می دهیم. در تدوین طرح سیاست عملی، مرحله انتقال ما از وضعیت کنونی به ساختمان تشکیلاتی که در اساسنامه قید می شود مورد نظر قرار می گیرد و فود آئین نامه اجرائی، عیوه های پیاده نمودن اصول اساسنامه، بعنوان مثال اینکه اقلیت تشکیلاتی از چه کاتال مشخصی باید نظریات خود را عنوان نماید تا کید فاسسه اجرائی باید بطور مشخص منظور شود. بدین ترتیب سیاست عملی معنی تدوین شده تشکیلاتی علاوه آئین نامه اجرائی ابزار می پیاده نمودن اساسنامه تشکیلاتی بساس می آید

○ پاسخ به سؤالات

چنین است که می توانست متحقق شود و یا در رابطه با سیاست تشکیلی چه می گنجد اول و چه در بلندمدت ۱۱ ساختمان تشکیلی حزبی مورد بحث قرار گرفته و اسامی این باید که باید خاطر بر کار تشکیلی باشد نوشته شد. آیا می توان تمامی اصول و ... نامه که منتج از بحث های فوق تشکیلی بود را سختی و بی اثر اعلام نمود؟

سک " سازمان " این نبود که حداقل از - لحاظ نظری - به دست گیری حزبی واقف می شونده است و با استقرار در میان کارگران را نمی می کرده است. چه تالیف های کمیته کارگری سازمان برای تشکیل هسته ها و سرخ کارخانه و چه سیاست اعلام شده در جهت ایجاد تشکیلی حزبی در این امر است. با این وجود نه تالیف های کمیته کارگری و نه سیاست گیری حزبی که از هم جدا می نشیند، پذیرند، هیچکدام نتوانست عملی شود. بر مگره از داشته صلاحیت سازمان در میان کارگران حتی در آن حدی که بود نیز گامی نداشتند و دست گیری حزبی به آنها انجامید که همه تا همین منتهی.

در مثبتت سبک کار غیر پرولتری گسسته از تمام جنبش محلی - پرولترانه بود. همسایگان لفظی به استقرار در میان کارگران، تشکیل هسته های سرخ کارخانه ایجاد کمیته های ایالتی و کلا ایجاد تفکاتی حزبی و اما در عمل هیچ سیاست عملی منحصراً به این گیر و داد مدار برای آنچه که اعلام می شده عرضه نمی داشتند. بدین ترتیب سیاست سازمانی ما عملاً روز به روز و اساساً سلاح موثقی به پیش می رفت و هدفمند نبود. غربت پلیسی مدار ما از پیگیره سازگاری می کاست بدون اینکه با نقدی همه جانبه و جنبشده از غربت شبه آن سیاست عملی منحصراً که بتواند اهداف سازمانی را جامه عمل بیواندند دست باییم.

بنابراین رد کلی تمامی سیاستهای -

تشکیل من گشته، می نشیند نمی تواند دارای دستاورد باشد. البته امر که باید سازمانی در راستا و سازمانی حزبی باشد که چشم و حیک کار ما تبدیل حزبی باید بدور ریخته شده باید در میان کارگران استقرار پیدا کرده که باید همه کارگری و سازمان کارگران بدون فقراتش را تشکیل دهند و ... ساله است که در طرح موسس تشکیلی احزاب کمونیست در کشورهای اولیه کمونیست بر روی آن بسیار مکتفده و قطعاً همه با طرح های تشکیلی کمونیست با تکیه بر " ملول کارخانه " محبتها بیشتر انتشار یافته است و کسر نیروی است که نام کمونیست بر خود بگذارد و از وجود چنین طرحی بی خبر باشد. امروزه نمی توان گفت که ادبیا استقرار در میان طبقه کارگر از - استقلال و بیسی برخوردار است. اما تمامی طرحی که بر " سازمان " داشته اعلام می شود بدور داشتن سیاست عملی تنها بصورت طرح و بر روی کاغذ موهوم بود.

ما نیز، اکنون در گفتار هیچ ادعای هیچ از سایر نیروها و کمونیست و با آنکه خود را کمونیست می خوانند نداریم و نمی توانیم دانش با علم سیاست سازمانی عبارات از تشکیل هسته های سرخ کارگری را در حل کار و یا تربیت با توجه به شرایط موجود که سرخ بکاری بسیار بسیار است) بنابه سنگ بنای یک سازمان پرولتری - پلاره بدلیل توانایی موجودمان و نیز شرایط پلیسی حاکم بر جامعه از آنها که امکان سازمانی کلیه هواداران در - هسته های سرخ موجود نیست و عملاً امکان - سازمانی و بی گیر تشکیلی نیست. ما هواداران را به تشکیل هسته های کارگری هوادار و با در ارتباط با این هسته ها برای خوانیم و با تماس های غیر مستقیم تالیفی کنیم که این هسته ها منون هسته های سرخ را دارا شوند تا طی یک روند در ارتقاء منجم با تشکیل قرار بگیرند از این طریق است که حرکت در جهت سازمانی کمیته های منطقه ای و شهرستان و غیره را - دنبال می کنیم. مجموعه این کمیته ها پلاره

کمیته های ویژه (ترمیمه کمیته ها و ...) استخوان بندی سازمانی ما را تشکیل خواهند داد. در همین حال یک تشکیلی حزبی و دارای سازمانی کارگری است که به لحاظ معنی کاری و گستردگی اعصاب و ... از سازمان انقلابیون حرفه ای متمايز است. سازمان کارگران بعضی از حزب (با سازمان پرولتری) است که بدون آن حزب (با سازمان) از نفوذ بر همانند در میان کارگران و از تحقق اهداف کمونیستی این در میان کارگران باز می ماند.

در راستای چنین سازمانی ما اکنون نیرویمان را بر تشکیل هسته های سرخ کارگری متمرکز می کنیم. بدین منظور سیاستهای سازمانی می گنجد " سازمان " مورد ارزیابی قرار گرفته و غربت شده و بی اثر که به تشکیل وارد کرده بر روی و جمع بندی شده است و بر اساس کلیه این عوامل سیاست عملی منحصراً برای تشکیل هسته های سرخ کارگری در دستور کار قرار گرفته است.

هیچ نیروی کمونیستی نمی تواند تشکیل حزب کمونیست را در دستور کار عملی خود قرار دهد و سیاستهای امروز خود را بر آن حیث استوار نکند. اما اکنون جنبش کمونیستی در تشنگی پراکندگی بر میبرد. ما معتقدیم که باید بر این پراکندگی با پایه داده خود و بدین خاطر ضروری است که مواضع و هواداران این پراکندگی خلاصه همه و از - سر راه برداشته خود. تالیف نیروهای منقسم کمونیستی برای تشکیل هسته های سرخ - سازمانی کمونیستها در این هسته ها و در وجه عام تر وحدت بنفیدن به جنبش طبقه کارگر لازم است. اما بی تردید کافی نیست. در عین حال ما معتقدیم به این نیستیم که الزاماً ابتدا باید نیروهای جنبش کمونیستی به وحدت رسیده و سپس وظایف برای حرکت بر این جهت انجام وظایف کمونیستی خود می تواند در براتیک و سازمان واقعی و اصولی وحدت در جنبش کمونیستی نیز بنوده در حالیکه تالیف برای وحدت نیز طی همین روند ادامه در صفحه ۲۱

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

سوسیالیسم

ملاحظاتین بریک گزارش

نختر (دن کینوت) ی است که یک تنه بسه میدان آمده و به « عناصر رنگارنگ بورژوازی » اعلام جنگ می دهد و دلبرانۀ علیسه دیوهای « سیک کار » وارد سرکه می شود. در اولین جمله به این دیوان نابکاره اما قلم من کینوت از گزارش موقوف باز مانده و بسا چهل واقعات در قالب گزارش و نغده دیسو سیک کار را در عالم رزیا به زانو در مسی آورد تا « تنها خط سنی انتلابی - پرولتری با همان سیک کار گذشته در هر صدای ننگ تر - « سقا - رزمند » خود ادامه دهد.

رفیق گزارشگر ما در این گزارش عموماً چنان بی نفس و ناموس می کند که گویی در وقوع رخداد های بد معن و ناکامی ها هیچ مسئولیتی متوجه او نیست و خود در مرکز رویدادها و اتفاقات قرار نمانده و تنها مشاهده گر جریانات بوده است و جریاناتی که در نتیجه قدرت تمیل آوه آنچنان غیر واقعی گزارشی می شوند تا زمینه ای کردند برای - بهرمان نمای دن کینوت و اثر و بیخون دست آوردهای لابی دفتر توهاش ثبت نموده گزارشگره گزارش خود را با بررسی اوضاع ایران آغاز میکند و در ادامه « همانند اکثر پیشتر ها » عاقلی به طبعه کارگر و انتصاب برسان را، « زمینه ساز یک نازی بریانات همسر پرولتری » میسببه نموده و گناه « میساف ماننن تمرس در موج تروید و سرکوب و اعدا زسان و ... » را به گردن توپل به « نایب خا ر آثار معینی و اجراجویانه میاهدین علی » می اندازد و به همین زودی فراموشی می کند که گزارشگر خود نیز تحت الشعاع جانیه های سر و آفتون « فاکتیک های آنا - ردیستی و ماجراجویانه میاهدین علیسی » مبولانته به ارزبایی « تحولات بحرانی و ... » پرداخته و فاکتیک های تمزش خود را برای سرشنونی نمودی رژیم جمهوری اسلامی و بسا

بمشتها ده جوخه های رزمی و کشته های صغی اعتبار و ... بر همین اساس نمودین کرده بود. دراموشی می کند به چه مرتعی با بدین تسلط سریع رژیم در نقشه سرکوب با همی باقی تطیل های خود عقب نشینی کرده و امروز به این حقیقت « واقف » می خود که « سازمان - ما بی از انتصاب فاقده آن توان و نفسودی بود که بتواند جنیدی را رهبری کند و میسبه تا بر ارتجاع را خنثی نماید. » اما اسپسن فاخر ا چشم گشودن بر واقعات بسهوه گزارشگر ما - « بسیار با تأخیر همراه است و فرد این لحظه تاریخی و آگاهی بر این حقیقت » کنکی به « پس ما نمی نباید تا بتواند سال انتشاره کشتی در حال غرق خود را بسر نند باره های کشته اجرائی و کنفرانسی آن به ساحل نجاشی و هشون خود.

گزارشگر در بعضی گزارش تشکیلاتی و نسو آوری احیاب انگیزی در چاره انقشی های - فرمت طلبانه بسططور انداختن گناه خویش به گردن دیگران و با به گردن کلیت های همسر منحصر از خود بروز می دهد. در گزارش - تشکیلاتی « استدلال گزارشگر در این معادله نماند میشود: عامل اصلی بحران هائی که سر به انفعال سازمان - به زعم رفیق استوار سازمان عموم خلقی به سازمان « حقیقتسما پرولتری » کشته اجرائی - گردید « سیک فار » است (کلیتی نامشخص و بی آزار) که در ادامه خود موجب بحران و سرکبات با همی می شود و لابد بزعمگاران نایب خودنشی « سیک کار نیز » عوامل رنگارنگ بورژوازی - درون تشکیلات اند و گزارشگر محسوم گمشدین چرمی ندارد و تشجینا عواملی ماوراد تشکیلاتی و مرکز رهبری ابر و تشکیلات و اجرا زده و پلچس زده و منحل می نماید. همین عقاب استهزایه نقل از قلم شمار گزارشگر « تا بر بسیاری موارد بند را آب می دهد و گزارشگر در توجیه در می مانده از آغاز تا انتیام کوی و نه حقو کمیته مرکزی و نه کافر رهبری این سازمان است، که شاهد بسی زبان و بی اراده خرابکاری های « عواملیک

بورژوازی » است و بدون واکنشی تماشاگر بی مان انجام تشکلات.

در مقدمه بخش « عملکرد تشکیلاتی » گزارشگر بسهوه معهود خود « در خوبتایی از مداکاری و از خودگفتگی و دلآوری و ... » رفتای ما « بر زمینه های « کار تبلیغی » « دنا می از یکسو و ارتقا » « تئوریک و هستی با » به حل و مرزهای ... از سوی دیگر « لفظی سایر نموده تازه همه این معهود و توصیف هائی که کسی با همین تر متعلقه خواهد شد را نیز بعنوان تمام وظایفی که « رفتای ما » باید انجام می دادند کافی نمی دانده رژیم جمهوری اسلامی را « عامل وارد آورین ضربات شکنجی » به سازمان می کند و با عبادت تمام از « فریب های بعضی های مختلف تشکیلات و شیادت تمعادی از اعنا » مرکزیت و کامرها و ... دم می زند و فاشنه این ضربات را تا ضربه آیانماه ۶۸ با « ضربه شکنج دیگری به کشته کارگری بهرمان » گذرش می دهد و به بحران ها « اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی اشاره می کند که از « اوایل سال و اوایل سال ۶۸ شروع شده و به اسفند ۶۸ ختم میشود. » « هک گبری » بروز و وقوع این بحران ها و اختلافات اما « میهنکام برترین گزارشگر مربوط نیستند و رفیق ما « قهپسا تشاچی بی اراده همه این گمشدنی ها شود تنها آنوقت که یک لهرمان نجاشی باشد بیاید و کار را برای همیشه یکسره کند و دن کینوت وارد سرکه معهود و هر بار بسا سوار شدن بر اعتقادات یک بعضی از تهره های تشکیلات موفق میشود بعضی دیگری از مخالفین را از میدان به در کند. روندی که هر بار میدان عمل سازمان را محدود تر نموده و - « ست گبری جزئی » را در جهشت گیری حتمی کمال بختیده است.

در بخر دوم گزارش (عملکرد تشکیلاتی) گزارشگر از یک « بحران سیاسی - ایدئولوژییک و فک و فحش » که در نقشه « به ویژه صاحت بولتن ۲ » « این گزارش » (گزارش ترو -

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سوا سر جهان

سوسیالیسم

ملاحظاتى بريك گزارش

تأییدی) در سرور سازمان سرور شده...
 (۹) شروع میکنند و خود را با نقش بانکه
 در نوشتن سیاست پیشوار اصلی این سرور
 آزمون سرری کرده و در ادامه طلب را...
 آزمون لیبرال منشی سر با حد و اعماس بر
 کار نسبی و آتای سامع در حاتم بحثی های
 بینتونیزیک سیاسی و دستخیز را تا آنجا
 تا بر من گذارد که بر دستور گزارشگر کنار
 در باغی تشکیل شده است شانی به میاهیر
 رجوی در تشکیل کرسن سازمان تومند سامع
 تشکیل داده نیست هر اوار مسس شکت کوری
 سازمان شانی ساهمین ، که گزارش اعلام
 بر مازد سازمان " می تواند کام های حد
 به بجز بر دارد و عسالت بر مبارزه -
 ملاحظه نماید... سیدی مامع ، در مذ
 چنان گزارشگر بنگ سازمان شانی برای رهوی
 شادکامند و سر راه تهن به این مقصود شکت
 سرورمین خود را بنگلی سیمان سر توب نبود
 و با شکت بر اهرم کشید سر تزی و با این
 سوی " سر شکتینه سر تزی حتم " است
 ت تدارک و بسج منشی گفتگی برای مقابل
 با سازمان زد و تا آسریں روزی که بیکسر
 شانی به نیروی تشکیلاتی با وجود سیدی سامع
 سر سازمان حاضر به امان کار نبود و در
 بری مراحلی که کار رسوایی سیدی سامع
 در زمینه های مختلف سیاسی تشکیلاتی و
 بدستونیزیک و شکتی و ... به اکتاف عالم
 رسد آنوقت رفیق گزارشگر که بر تارک ساز
 بر برای سر افقاس یا شکت بر نیروهای
 ساکار سازمان باز بوده به خود جرأت داد
 ت " ضد کمیته مرکزی " را تشنه کند -
 از سوج نسجه و عیوه شد اما سنا به و نسجد
 تشکیلاتی و اندوبندالیستی نسجه جای حد
 سرور را دارد) بسیار اینکه دیگر هیچک
 بروهای سازمان حاضر نبودند وجود سامع
 تشکیلاتی شکتی کننده رفیق ما " یک تفه " -
 کار سیدی سامع را به اسم خود در تشکیلاتی
 تمس نمود ، شکتا از اینجه نو آوری و نقد

گشت و تغییر " میک کار " گنجد ا مثال
 شانس و فارو شد این که کاری جز اسقاط
 اختیار سازمان نمارنده مادام که سرور -
 مایتنده بیجا رزخته پاکباز قربانیسی
 مینوده اما بجز اینکه چنین موجوداتیسی
 تمدنار مهرهای انقلابی ستوری و ملر و سی
 نوشته اینها " سر " تشنه منفی سازمان و
 شکتایت بیخسین به ستوری " " طوماری به
 فرازای آید مینود -
 و بالخره بیدار " دست یابی به یک
 برنامه حزبی و تا شکت های حزبی به طومار
 سریمما متخرا بدستونیزیک سیاسی و ...
 بجز شکت مرکزی برای سازمان " است که نو -
 بدرا آن جوبد یکی در همین ۶۶ و دیگری در -
 خلال همین و اسفند ۶۶ یکی پس از دیگری از
 ، میرسد و در انتها رفیق گزارشگر را با
 کشید اهرامی شکتی " بی بران " و سا
 " بریب های بدستونیزیک - سیاسی - تشکیلاتی
 پلاشین باشد " برویشی بزه عد " با قاسی
 می گذارند در اکتاف سنا مشور به مرحله
 سرور واقفیت و عدا با منس سربرد و مسلمان
 امان می مکت " اما این بجز شکت در مسون
 بدستونیزیک - سیاسی مشیر به یک تعداد جدید
 در تارک شکتی شاد شانی مسون پیشتر
 و مزه و شکت سازمانی عس مانده و ماقبل
 سرری برنده این شکت نیز خود را به شکتی
 سران های تشکیلاتی بروز داد در سال ۶۶ -
 شکتی " است عدا شکتی بهرامون سکتله
 سیم تشکیلاتی و سانسازمانی حول اساساً
 چشمانی کشید مرکزی آغاز شده بوده اختلا
 قاتی حد بهرامون ساین تشکیلاتی بروز نمود
 " و به سربرد و اتمید بشیوه خود عسله
 را شکت اضافه می کند و با آوردن اینسن
 سیارت " گزارشی که مدامع شکتیات مفلسی
 و شکت سازمانی ماقبل حزبی بود با دفاع از
 با ریزترین شخصیات پور تونیم در ساینل
 تشکیلاتی و حقارت و دموکراسی سرور عقیب
 ماندگی تشکیلاتی ، ماهیت پور تونیمتی خود
 ما بر ملا کرد ، مدامع این گزارشگر شکتی
 در نوشته های خود این پور تونیم بر سنا
 بل تشکیلاتی را به نماند کدانشکت... در این
 به از ساین سرور اختلا سنا تشکیلاتی

بود و چهارم بیس نقله اوج این بران -
 تشکیلاتی که به یک مرکزی خونین انجامید
 " " و در خلال این قلمبرایی از قلم سینی
 اندازد کتا بجای به اسنا " کمنه خارج " -
 تحت عنوان پور تونیم راست این بار در سنا -
 بل تشکیلاتی و مختصر شد و در مقدمه آن -
 نوشته عد (" " اینان دموکراسی باز بجای
 و سروری را بر برابر دموکراسیم حقیقی و
 برولشری قرار می دادند - مفهوم لنینی ما -
 شکتیسم دموکراتیک را تحریف می کردند و
 آترا شرا فترت کامل اصل انتصابی کردن
 و انتصاب شدن تحت سر خراطی می فاشند و
 در سنا جا شکتیت دیدگاه خود را با دیدگاه
 لنینی در ساینل تشکیلاتی نشان می دادند - در
 دو نوشته ای که با اسنای شکتی در اسن
 مسومه بجای رسیده است ، این موانع پور -
 تونیمتی سرور نقد و بررسی همه جانبه قرار
 گرفتند اسنو ماهیت پور تونیمتی و نسجد
 برولشرد این دیدگاه افتاد شده است " و در
 اعلامیه ها و بیانیه های کمیته مرکزی سا
 شکتی استدلال شکتی از قناتایت عد که ما ساین
 " موانع پور تونیمتی " و افراد " ماهیتا
 پور تونیمتی و عد برولشرد " " توده ای -
 اکثریتی ها و طرفداران شورایی مقاومت
 زبر پوشش اختلافات " اساساً تشکیلاتی " -
 قسد انحلال سازمان و تصرف اهرامی را
 داغند " " و " اختلافات سیاسی - بدستونیزیک
 زیک بوده است و در پوشش اختلافات تشکیلاتی
 بروز یافته است " " گزارشگر فرا عا سنا
 گزارشی سیاسی - تشکیلاتی با اختلا شکتی با رگذا
 به گردن عناصری نارشی در تشکیلاتی با شکتی
 بر سنا " کلیت نا منضم " فاجعه " همین
 را عمل تسدید می نهد و می نویسد " " سر
 چند کد و اعد چهارم بیس توسط پور تونیمتی
 های باند عدنی - عجیبانی آفریده شده اما در
 بررسی برانی که به چهارم بیس انجامید
 باید شکتی کلیت سیم تشکیلاتی و نیز شکتی
 کمیته مرکزی سازمانی را نیز در نظر گرفت -
 اگر بر این بران ، در یک سو باند بازی و
 توطئه گری ، پور تونیم فرا کسبون عدنی -
 عجیبانی عمل میکرد ، در سوی دیگر آن ، نقداً
 مکانسیم ها و شکتی است که بتواند سنا

سوسیالیسم

ملاحظات پیرامون گزارش

مباحثات را در مروز تشکیل نامین کند و نتایج آن را به شکل اصولی آن محل نماید در یک سو یا ند بازی و سخت بازی عمل میکند و در سوی دیگر آن ساقراطیسم یک یانیه و - توسط به عبود های پرورگرا نیک ...»

بررسی امتدادی کمیته اجرایی از پروا ندوس فاجعه ، بهمن ، حتی در همین حدوده چیز می توانست می نقد گامی مثبت ارزیابی شود - گامی که در پروسه تکالیف خود به نقل چو از این فاجعه سیر خود : اما نقد کمیته اجرایی از ، بهمن بر زمینه بحرینات گشوده ای که گزارش بر آن شکی است ، ادامه همان سبک کار و عبود های مطلق پرورگرا نیک است که در انتصاب اخیر ، کمیته اجرایی همراهی می باشد نقد تحریف شده و که در همین گزارش پشنامه فیلت ها و دست آورده ها ساخته میشود در واقع نقدی نوری است برای از سر گذراندن بحران که منظور تفاوت و - شیوه ها و سبک کار گذشته خود به یاد روی از همان نوع سبک میشود - کمیته اجرایی در این روز فقط از یک ماکریز به خاکریز دیگر صلب نمیشی کرده است - گزارش در یک پارا - گرام فاجعه ، بهمن را به نقد کمیته است تا ادامه کاری سبک کار گذشته را تسخیر کند و بتواند با نقد سوری انتصاب فاجعه بار گذشته ، انتصاب انطال گرایان اخیر را ستور بدارد - فاجعه ، بهمن بستوای یکی از شاه - زمین ضلعات تحیات سیاسی سازمان محسوب می شود ، این واقع قابل اعتنا ، توسط کمیته مرکزی سازمان در بیوته اجیل قرار داده اند آنگنان که گویا ، اساسا چنین وضعی وجود نداشته است - رویدادی که برای چنین - سوس نیستی ایران در حکم لکه ننگی است که بر اساس طبقه کارگر و انقلابیون کمونیست به باشتکل کمونیستی عمدها معض زده است ، بهمن نقد جدی از آن سبک و سبک کاری که به

چنین نایجندای سیر گرفته نه فقط اعتقاد از سترفته را نمیتوان میدتا بدست آورده بلکه خود نفاق آنست که « فبایمی » از - نوع ، بهمن همچنان می تواند بولوع بهیونتی و کمیته اجرایی با یک پارا گراف آنها هم - حلقه تحریفات آشکار و دروغپردازی های سی خواهد آنرا حالت مالی کند - (دورا بحالی می این مورد حتی یک گام از کمیته اجرایی عقب تر است)

رافم گزارش سیاسی - تفکلاتی هر چه بیشتر فلسفهای میکند ترک یک یانیه و خبر نهالکتیکی و توطئه گرایانه خود را از مفهوم تفکلات ، تئوری تفکلاتی ، مکانیزم مبارزه با ابزار تفکلاتی ، بیشتر به نمایش می گذارد - در سایه همین ترک ه آخرین پرده نمایش که همانا « تئوریزه کردن پرولتری » ، حلقه سازمانت بر پهنه طوفانم گزارش - ظاهر میشود : در آستانه نهضتی که کمیته مرکزی و از جمله گزاردرگر بر آن نام کنگره گذاشته بودند به بیکاره تمام قول و قرار ها و کمیته مرکزی از سوی گزاردرگر کمیته اجرایی بهیونهای توطئه گرایانه گان لم میکن مینمود و سازمان را در آستانه فروپاشی قرار می بعد - رانم گزاردرگ - سبک های سیاسی نواند : روشن است کنگره و که پشما - درصد اصلا - حرکت کننده آن از کمیته خارج از - کشور باشند و بخش های دیگر تفکلات نیز پشما - درصد دیگر را به خود اختصاص میدهد نه تنها نمیتوانست پیمانگرا اراده تفکلات باشد بلکه با هدف تأمین تئوریزه مباحث ابورتونیستی مردم بلدی مید - آنها که باید تئوریزمین ما در جلیات کنگره بر پایه استدلال لسانی ، حل و حل را تحکیم نموده استاتامه و برنامه را به تصویب برسانند - منصر پشما - درصد از خارج و ... برابری طرح میشود - این بار نه دیو و شول های - سبک کار - ، که دیوهای خارج از کنوری فرمان را و سس دارند تا با حمایتی نظری بر قلب تفکلات و - کنگره - حمله کرده و به

یک عبود هر دو را متلاشی کند - همان عبود های گذشته و همان اندیوبودانسم محسوب - گوی این صاحب گزارش نبوده است که خود بر خکله گیری ترکیب کنگره از جمله تصمیم گیری ندگان بوده است)

طی همین دوره است که تحریف و - تئوریزه سازی و توطئه گری سبک بنای انتصاب - تحریف انتظاری - پرولتری - تا همین طریقی پرولتری کار - گفته فانی آید - اصلاح بدفهریاسی ها و پارهای از جلیات ها و آثار ریشی سازمان به دوش سایر اصنام کمیته مرکزی و دروغپردازی ، و صدور اعلامیه ها و کتب و ارائه ضما - ویر فرومین از ارگانهائی که وجود تاریخی ندارند و از کمیته اجرایی حمایت بمسلسل آورده اند ، مراجعه به دولتی ارتشایی برای حکمت که سازمان چریکی ای فبای طلی ایبرای کست و ابزار آلترا دبو به چه کسی تعلق دارد - کارنامه - ماهها است از مبارز - خط منی انقلابی - پرولتری - برای « تئوریزه ابورتونیسم » و تنبیر « سبک کار » -

حجم قابل ملاحظه ای از « گزارش ...» به انتقاد از « سبک کار » اختصاص می یابد و در تکرار « سبک کار » گفته ضلعات پشما - سبک ، میشود اما همچنانکه در رخ به رخ - نمودن برخی واقعیت ها ، با اصل گزاردرگ ساز نمونیم به وضوح معلوم شد که نه تنها از « سبک کار » کمترین انتقادی صورت نگرفته بلکه این باره سبک کار گذشته با ایجاد جدید خود را با عکس بازتری ظاهر ساخته است - گزاردرگر هر چه بیشتر تلاش کرده است خود را تیرش کننده پآر گناهان خود را - شکن تر کرده است و « سبک کار » جدیدی را در تناوم روند گذشته همه خود نموده - برای سقوط قدم اول کالی است ، اما فلسفه « سبک کار » با سبک جدید کار (در سیرای عقابان سراسیمی خطوطه ، ناقص نوع کند فته اگر سرعت خود را باز نتواند در سبک جدید عبود های قدیم مفاکی است پار که آخر خط چنین روندی است ، یا ولج در انتظاریان

تجدید ابورتونیسم جهانی - سرگردانی ابورتونیسم امریکا و پارکاه داخلی

★ جاوهان با دیا دتماسی جا شبا عتگنان لداش ★

فریبا دینی	بهرام بیلوکی
ابراهیم عربی	احمد سلیمانی
علی حسن پور	علقم حسین سعیدی
محمد کریمزائی (ح. م. ک. س.)	عباس کوهزوی
علاسهین زینبی وند نژاد	حسن جان لنگوری
پرویز عبدالهیجان	کا مران علوی
غور اله حسوند (حسن)	فرید مرچاد
سیدی خانزاده	احمد کیانی
علی محمد نژاد	فریمان قریبی
سرمین توبلی	و رفیق کبیر سید ملک احمدیان (اسکندر)
فاطمه روشن جی	و رفقای آرمان خلق:
عزت اله معلم	مصطفی کتیرائی
سید ربیع حسینی	موشنگ تره گل
رسان فریانی	ناصر کویسی
علی رها صدوی	بهرام ظاهر زاده
عیناله پروانی	ناصر حدنی
شهباز بنفشی	
مفخر دلیر	
روح اله انصاری	

و تمامی جان باختگان
راه آزادی و سوسیالیسم
گرامی باد!

بزنش و تصحیح!
 در الله صبر مردانه گیته امروزی دولت با
 "صافتر" یک اشتباه نیستی رخ داده است
 در الله صبر گفته شده:
 در پر استعمار "بهرام" نژادیم عراق که رادیو
 سازش را در اختیار خود گرفت "کلیه رفتار
 که در بخش رادیو فعالیت می کردند و محل استوار
 رادیو سازمان را ترک نمودند."
 ضمن بزنش از امیر اشتباه ناپسی و علم فوق بیرون
 صورت تصحیح کردند: "فقط کلیه رفتاری
 هسته امنیت که در بخش رادیو فعالیت کردند
 بعنوان اقرار محل استوار رادیو سازمان را -
 ترک نمودند."

ملاحظاتى بريك گزارش

می باشد. اصل انتقاد از خود به روایت
 گزارش، به نوظهوری تغییر "بیک کار" -
 پارای بدعتی بی سابقه است. گویا برای این
 انتقاد از خود نوآورانه به منظور باز -
 گفت از خلا و رسیدن به جواب از خود -
 انتقاد شده است. و تنها به منظور متصرف
 کردن افغان ناظرین کتابها و ماهی به بی
 شده است که کترین ریشی به اصل ماجرا
 نداننده یا حداقل نکل حسینی گزارش
 خواننده را به جنبش تاجی رهنمون نمایی
 شود؟ اگر خصله بمنوان یک ابزار در خدمت
 احداث منتقدین "بیک کار" بتواند برای -

چون بار تر نارنج قلب و امنیت را بسد
 حتی حقیقت انبیا کشته این دیگر و طیف
 مارکسیسم - لنینیسم است و کتبش می گاه
 نیم سبزه است که حسنه کاران را به
 شفت از گردش در سار مبارزه به خارج برتقا
 کند.
 مبارزه و نظمی که انقلابیون در آن -
 قرار دارند، صداقت بر زمین فنی را با گفت
 شده می پذیرند. اما حداقل برای جمعی که
 از صداقت انقلابگری روی برنامهدانند
 ناپخته است که در مابیت پویان مبارزه و
 هیچ خدمت و حیانتی فر روند پیش ناپذیری
 و کپی پذیری تا بر بالسم بهالکتیک چشم
 پویان بظهور باقی نمی ماند و این به صاحب
 "کار" شماره ۲۱۱ مربوط است تا راه خود را
 برگزیند. یا انتقاد از خود به بیک انتقال -
 بیرون کمونیت و نظیر "بیک کار" تبیین
 با به هیوهایی جدید از "بیک کار"
 هر سه

جنگ و انقلاب و

را دارا تاخده طرح شما تم. راه کار کسره
 لیکن هر عمار قابل وصول و ممکن را. با
 عمار اصلی مورد انعامی نموی می نماید.
 اینها هستند موارد اختلاف با راه کارگر
 بر رابطه با این جنگ ارتجاعی. تأکید ما
 بر تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است.
 از حالیکه راه کارگر ضمن آنکه هم عمار
 تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی را مطرح
 می کند و هم تبدیل صلح به رژیم فقیها
 لیکن تأکید بر دومی است. راه کارگر رابطه
 جنگ و انقلاب را از هم میگردد. این است آن
 اختلاف اساسی ما با راه کارگر در زمینه
 ز مورد بحث.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

★ ج. ودان با دیا و تمامی جانباختگان فدائی ★

زندگانی نوین ، حاملین آرمان والا ، بسا وجود شعله سوزنده شوق به زندگی ، برای برپایی جهانی نوین ، بی بردایی از مرگ ، در جدال عظیم دوران نوه هر روز در روبروایی با خداوندان سرمایه و غارتبیه گشاده دستی جان می بازند . تا ملاک روشن شدن انسان والا ، حامل آرمان و اندیشه والا را از تریوزگان مشاهده گری - لطف سرمایه بر سنگ - صفحه های تاریخ نقر کنند .

تاریخ پر حماسه و خون جدال ره گفایان آرمان و لای کارگران و زحمتکشان ایران ، برگ برگ سرخی است از لحظه طوفانده روزهای خونین ماه و سال های این قرن ، از آغاز بیدایی آرمان رهایی کار از اسارت سرمایه .

گل آذین سرخ هر روزه این تاریخ در همه ماه ها و ماه های شهرپور و مهر لحظه حماسه جان باختن پیشگامان نظام نو است . گرامی باد یاد و نام تمامی جان باختگان - بر پایی نظام نو .

ج. ودان با دیا و تمامی جانباختگان فدائی
در شهرپور و مهر ماه
رفقا :

- مفتوح تقی پور (اسکوا)
- عباس رضا ابروئی
- ابرج شهری
- علی سرشکاری
- انور اصلی

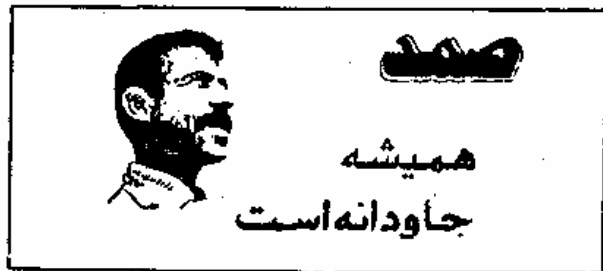
- سمود بابائی
- حامد بابا علی
- احمد الهادات روس آهنگران
- حسن صادقی
- شهرت اکبری
- جیل بهائی
- احسن و مهریار ناصید
- سعد سیدی
- حمید رضا مالکی
- احمد صادقی
- محمد تقی فرزند (مهاجون)
- بهمن رهبر
- بهنام رهبر
- سعد رضا فریدی
- سیده کریمان
- پرویز ماوردی
- مقام حسین بهکی
- حسن صالحی
- علی رضا حاج بابائی
- ناصر فتوحی
- محمد سیاسی
- حمید رضا ماهمگر
- عباس کابلی
- جواد کاری
- نادر توری
- علی رضا بهائی
- قاسم مروتی
- ابوبکر آرمان
- هرشنگ احمدی
- رحمد بزقان بهاء (سکوا)
- محمد رضا سخوده
- بیشون جنتی ملائی
- سروش حاد مرادی
- سغلی نصر الدینی

- فا - سید باقری
- مهدی رضا غفوری
- مربز محمد رحیمی
- آختر جعفری جزایری
- عزیز سارکی
- محمد رهبری
- علی رضا برایی
- مهدی حسینی
- ابوالفضل قزل باهی
- و معلم افلاکی محمد بهرنگی
- چنگیز قبادی
- محمد علی صالحی
- محمد نوزادی
- حسن حامدی مقدم
- فلاخرضا مددی
- حسن علیزاده
- رحمت شریعی
- حسن طالی نائینی
- امان معانی
- چهار تقی حسینی استهبانی
- محمد رضا فرهاد
- زهرا سیاب
- پروین نالی
- اسمعیل بهد شهری
- زهرا بهد شهری
- سغلی رسولی
- سهرنوی ابراهیمی
- منوچهر بهائی بهد
- محمد احمدی لاری
- کرامت قبادی
- زاهد سجادی
- سجاد بهربری
- محمد جعفری

ملاحظاتى بر يك گزارش

بعد از اینکه اصلاح طلبی کهنه مرکزی و سازمان پرکپای فدایی غلبت ایران، در خلال اوایل سال ۷۱ تنگنای سازمان را حتی بر شکل سوریه آن متحمل نموده، در نهمه کار ۲۱۱ جناح کهنه ایرانی طلبی تحت عنوان «گزارش سیاسی و تنگنای کهنه ایرانی به کنفرانس سازمان» چاپ شده است. بازنگری کوتاهی به برخی از جملات گزارش، مفهوم فرستالمان و پراکندگی آنرا دقتشده از پورده بیرون می اندازد و چند دیگر سازمانی برای استماع گزارش —

کهنه ایرانی باقی نمانده است. پس از ۲۰ سال اما، چاپ چنین گزارشی به منظور اخفاس شدن هر چه بیشتر «بیک کار» کهنه ایرانی که علمی از بیخ و بن تغییر دادن بیک کار گفته است. عالی از لطف نیست گزارشی که تاکنون دعوی دار تفویض بر نامه حوسبی بود و یک کلام از «تنگنای حزب و متعهد کردن نیروها و جنبش کمونیستی ایران» کوتاه سی آمد و یا سقوط به مرده به تاریخکسبوت بسته یک شکل تنگ، در گزارش خود ایضاگر در صفحه ۲۲



★ جاودان به دبا دشمنان ما شما خنگان فدایی ★

اسطوره زندگانی آدمی و مبارزه ای به گستره تمامی طول تاریخ است برای رهایی از تمامی اشکال بردگی. چکامه رختان این اسطوره دلبری حیات بشری و حماسه جان باختن پیشگامان رها سازی بشر از بند های گران اسارت طغیانی است. شوق و رزان زندگانی نوین و سرایندگان چکامه خونین این حماسه عظیم بشریتند. انقلابیون کمونیست و راه های عملدهور شوق در صفحه ۲۲

پاسخ به سؤالات

چندین سؤال فر زایل با سیاستسازان مانعی هست اقلیت مطرح عده است یا امنیت منمن متفرک که اولاً آیا ما سیاستهای سازیم مانعی قبلی را بطور کلی رد میکنیم؟ فر — آموخته نوع سازماندهی را بر دستور کار فرار داده ایم. دریا اینکه فقط اشتقاقی به سیاستهای قبلی وارد می دانیم. ثانیا سیاست تنگنای ما بر چه اصولی متکی است؟

در پاسخ به دو سؤال فوق که به تصور ارگانیک به یکدیگر مربوط اند، اگر رد کلی سیاستهای سازماندهی و خودی بسیار کلی است و در حدت تغییر قابل پاسخ است. پس از انتخاب اقلیت و اکثریت، «اقلیت» تا انتقاد احزاب سیاستهای سازمانی و تنگنای شخصی را مطرح کرده است که نمی توان بر تمامی آنها حیطان کشید. بعنوان مثال، پس از طرد اکثریتی ها، «سازمان» تشکیل شده ها و سرچ کارخانه را به بنیاد سنگ بنای حزب پرولتری در دستور کار فرار داد و میا حداقل می توان گفت که این دست گیری را — اعلام نموده. ساله اما این است که چسبند در صفحه ۲۲

کلیه های مالی خود را به این شماره حساب واریز کرده
Dj Aryant
 KTO • 32325118
 BLZ • 250 501 80
 StadtSparkasse Hannover
 W • Germany
 و رسید بانکی را به آدرس زیر ارسال دارید.
 برای تماس با ما یا آدرس زیر تماس بگیرید.
Post Fach
Nr 910963
3000 Hannover 91
W Germany

سازمان باد رژیم جمهوری اسلامی — برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق